

نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۸)

الكافی فی التفسیر، اثر
گمشده السید الامام
ضیاء الدین ابوالرضا
راوندی (م حدود ۵۷۱ ق)،
و نسخه قرآن ۴۱۲۹
کتابخانه مجلس شورای
اسلامی

۱۴۹-۱۰۷

چکیده: نسخه قرآن به شماره ۴۱۲۹، مورخ ۵۸۳ هجری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران)، در واقع حاوی یکی از تفاسیر مهم شیعی است که تاکنون ناشناخته باقی مانده است. در برخورد اولیه با این نسخه، ظاهر آن را متفاوت از سایر نسخه های قرآنی می یابیم، اما در حقیقت، این نسخه را باید اثری مرکب از متن قرآن، اختلاف قرائات عشره و تفسیر قرآن به شمار آورد، هر چند فهرست نویس کتابخانه، آن را در شمار قرآن ها ثبت کرده و در معرفی اش به توصیفی ظاهری بسنده کرده است. از آنجا که این نسخه همواره در میان قرآن های کتابخانه مجلس جای گرفته، تاکنون کسی به اهمیت حواشی اطراف این نسخه قرآن که حاوی تفسیری بسیار مهم و مفقود از میراث شیعه در قرن ششم هجری است، توجه نکرده بود. در سال های اخیر کوشیده ام، با بازخوانی دقیق این حواشی، متنی مصحح و پژوهش شده از این تفسیر شیعی آماده کنم. بر این اساس، نوشته حاضر به معرفی نسخه و کشف هویت مؤلف احتمالی آن یعنی ضیاء الدین ابوالرضا، سید فضل الله راوندی (زنده در ۵۷۱ ق) می پردازد. از جمله ویژگی های منحصر به فرد این اثر آنکه در پایان آن و در میان شماری از ملحقات علوم قرآنی، قدیم ترین نقد از سوی یک دانشمند شیعی در قرن ششم هجری بر روایت رسمی جمع قرآن به دست زید بن ثابت و در زمان ابوبکر آمده است.

کلیدواژه ها: ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله الراوندی؛ الکافی فی التفسیر؛ تفسیر شیعه در قرن ششم؛ تفسیر کلامی شیعه؛ کتابت شیعیان از قرآن؛ معتزله؛ قرائات عشره؛ اختلاف قرائات؛ کاشان؛ مدرسه مجدیه؛ السید الامام؛ جمع و تدوین قرآن؛ نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

Al-Kāfi fī al-Tafsīr, Lost Work of al-Sayyid al-Imām Abū al-Riḍā al-Rāwandī, and its Connection to the Qurʾān Manuscript 4129 in the Library of the Parliament (Tehran)

By: Morteza Karimi-Nia

Abstract: Manuscript No. 4129 of the Library of the Parliament in Tehran, which is dated Rajab 583/Oct. 1187, contains one of the most important works of Shiite Qurʾānic interpretation that have remained unknown. In the initial encounter with the MS, one finds its appearance different from other manuscripts of Qurʾān and *tafsīr*. Though the library cataloguer has included it in the list of the Qurʾāns and has only provided a simple description of its physical appearance, this MS should be considered a work composed of the text of the Qurʾān, details of the ten official variant readings, and the interpretation of the Qurʾān. Since this work has always been kept among the Qurʾāns of the Library, no one has recognized the importance of its marginal annotations, which contain a very important hitherto lost Shiite *tafsīr* from the sixth/twelfth century. In recent years, I have studied these annotations carefully in order to prepare an accurate edition of the work. The present article introduces the manuscript and identifies its possible author, Ḍiyāʾ al-Dīn Abū al-Riḍā Sayyid Faḍlullāh al-Rāwandī (alive in 571/1176). A unique feature of this work is its appendix on some points in Qurʾānic studies. It contains, among other things, the oldest critical analysis and refutation, by a Shiite scholar, of the narrative of Zayd b. Thābit's collection of the Qurʾān in the reign of Abū Bakr.

Key words: Ḍiyāʾ al-Dīn Abū al-Riḍā Sayyid Faḍlullāh al-Rāwandī; al-Sayyid al-Imām; *Al-Kāfi fī al-Tafsīr*; Shiite Interpretation in the 6th/12th Century; Shīʾa's Qurʾān Transcribing; al-Muʿtazila; Ten Variant Readings, Majdiyya School in Kashan; Collection of the Qurʾān; MS no. 4129 in the Library of the Parliament (Tehran)

الكافي في التفسير، الأثر المفقود للسيد الإمام ضياء الدين أبي الرضا الراوندي (م حوالي ٥٧١ هـ)، والنسخة القرآنية (٤١٢٩) في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي
مرتضى كريمي نيا

الخلاصة: تحتوي نسخة القرآن المحفوظة في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي بطهران، والتي تحمل الرقم (٤١٢٩) واحداً من التفاسير الشيعية المهمة التي لا تزال مجهولة حتى الآن. ويلاحظ القارئ في هذه النسخة - للوهلة الأولى - اختلاف ظاهراً مع سائر النسخ القرآنية الأخرى، لكن حقيقة الأمر تكمن في أن هذا الأثر يجب النظر إليه باعتباره تركيباً من النص القرآني واختلاف القراءات العشرة وتفسير القرآن وليس متنأ قرآنياً فحسب، وذلك على الرغم من توثيق منظم فهرس المكتبة لهذه النسخة ضمن النسخ القرآنية، واكتفائه عند تعريفها بالوصف الظاهري لها.

ولما كانت هذه النسخة قد أخذت مكانها دوماً ضمن النسخ القرآنية في رفوف مكتبة المجلس، لذا لم يلتفت أحد حتى الآن إلى أهميتها الحواشي المدونة في أطراف هذه النسخة القرآنية والتي تشتمل على تفسير فائق الأهمية ومفقود من التراث الشيعي في القرن السادس الهجري. وقد بذلت في السنوات الأخيرة قصارى جهدي في القراءة الدقيقة لهذه الحواشي وإعداد وتقديم نص مصحح ومحقق إلى القارئ. وعلى هذا الأساس، يقوم المقال بالتعريف بهذه النسخة والكشف عن الهوية المحتملة لمؤلفها، أي ضياء الدين أبو الرضا السيد فضل الله الراوندي (كان حياً في ٥٧١ هـ).

ومما يمتاز به هذا الأثر من الصفات الفريدة هو ما ورد في آخره - ضمن عددٍ من الملحقات في العلوم القرآنية - ألا وهو أقدم نقد كتبه أحد علماء الشيعة في القرن السادس الهجري على الرواية الرسمية لجمع القرآن على يد زيد بن ثابت في عهد الخليفة أبو بكر.

المفردات الأساسية: ضياء الدين أبو الرضا فضل الله الراوندي، الكافي في التفسير، التفسير الشيعي في القرن السادس، التفسير الكلامي لدى الشيعة، كتابة الشيعة للقرآن، المعتزلة، القراءات العشرة، اختلاف القراءات، كاشان، المدرسة المجدية، السيد الإمام، جمع القرآن وتدوينه، النسخة ٤١٢٩ في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي.

ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی الراوندی^۱

السید الامام ضیاء الدین فضل الله بن علی مشهور به ابوالرضا راوندی یکی از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. نام و نسب کامل وی آنچنان که به خط خودش بر صفحه نخست امالی سید مرتضی، نسخه کتابخانه اسکواریال، به شماره ۱۴۵ آمده چنین است: ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله بن محمد بن عبیدالله بن محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب. تاریخ دقیق ولادت و وفاتش را نمی دانیم، اما بر اساس قرائن می توان گفت وی در حدود سال ۴۸۰ هجری متولد شده و دست کم تا ۵۷۱ هجری در قید حیات بوده است.^۲ جایگاه علمی وی و تبحرش در ادب عربی، شاعری و دانش هایی چون فقه، کلام اسلامی، نهج البلاغه و تفسیر قرآن او را در عصر خود و میان همگنانش به ویژه در منطقه کاشان بسیار شهره کرده بود. شاگردش منتجب الدین رازی در الفهرست،^۳ عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب نقض،^۴ سمعانی در الانساب^۵ و عمادالدین کاتب در خریده القصر و جریده العصر^۶ توصیفات

۱ بر خود وظیفه می داند علاوه بر سپاسگزاری از مدیر و یکایک همکاران محترم بخش مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی که تصاویر نسخه ۱۵۴۹۸، برخی دیگر از جزوه های قرآنی کتابخانه را در اختیارم نهادند، از آقای رسول جعفریان، مدیریت پیشین کتابخانه مجلس شورای اسلامی تشکر کنم که با عمومی ساختن تصاویر نسخه های خطی این کتابخانه، پژوهشگران علوم اسلامی را در دسترسی به این میراث علمی و ادبی و ثروت ملی یاری رسانیدند. همچنین از جناب آقای سید علی عماد، مدیر وقت کتابخانه مجلس شورای اسلامی و سایر همکاران بخش خطی آن برای همکاریشان در طول این پژوهش، نهایت سپاس را دارم.

۲. مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در لمعة النور و الضیاء، فی ترجمة السید ابی الرضا (۴۸۳-۵۶۳) (چاپ تهران، ۱۳۴۳ش) وی را متولد ۴۸۳ و متوفای ۵۶۳ هجری دانسته اند که صحیح نمی نماید. از آنجا که یکی از مشایخ راوندی، ابوالمحاسن رویانی در سال ۵۰۱ به شهادت رسیده و راوندی در این زمان باید دست کم ۲۰ ساله بوده باشد، سید عبدالعزیز طباطبایی (ص ۱۸۶) حدود ۴۸۰ هجری را زمان تقریبی ولادت وی می شمارد. افزون بر این اجازه راوندی بر روی نهج البلاغه، کتابت این نازویه قمی (موزه ملی عراق، ش ۳۷۸۴، کتابت سال ۵۵۶) که در سال ۵۷۱ هجری در شهر کاشان با نسخه ابوالرضا راوندی مقابله و بر او قرائت شده نشان می دهد که وی دست کم تا این سال در قید حیات بوده است.

۳. «السید الامام ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله الحسنی الراوندی علامة زمانه، جمع مع علو النسب کمال الفضل والحسب، وکان استناداً عصره، له تصانیف منها: ضوء الشهاب فی شرح الشهاب و مقاربة الطیبة إلى مقارنة النیة، الاربعین فی الاحادیث نظم، العروض للقلب الممروض، الحماسة ذات الحواشی، الموجز الکافی فی علم العروض والقوافی، ترجمة العلوی لطلب الرضوی، التفسیر، شاهدهة وقرأت بعضها علیه.» منتجب الدین ابن بابویه الرازی، الفهرست، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۹۶، رقم ۳۳۴.

۴. «و کاشان - بحمد الله و منه - منور و مشهور بوده است همیشه و بحمد الله هست، به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عُدّت و مدارس بزرگ چون مدرسه صفویه و مجلّدیّه و سُرفیّه و عزیزیّه با زینت و آلت و عُدّت و اوقاف و مدرّس، چون سید امام ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی الحسنی، عَدیم النظیر در بلاد عالم به علم و زهد و غیر او ائمّه و قضاة و کثرت فقها و مُقرّیان و مؤدّنان.» (عبدالجلیل قزوینی رازی، کتاب نقض، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، تهران: ۱۳۵۸ش، ص ۱۹۸)

۵. «القاسانی: هذه النسبة إلى قاسان وهي بلدة عند قم... دخلتها وأقمت بها يومين وأهلها من الشيعة، وكان بها جماعة من أهل العلم والفضل... وأدرکت بها السید الفاضل أبوالرضا فضل الله بن علی العلوی الحسنی القاسانی، وکتبت عنه أحادیث وأقطاعاً من شعره، ولما وصلت إلى باب داره قرعت الحلقة وقرعت علی الذکة أنتظر خروجه، فنظرت إلى الباب فرأيت مكتوباً فوقه بالحصص: «إنما يريد الله ليهذه عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا.» (السمعانی؛ الانساب؛ تحقیق عبدالله عمر البارودی؛ بیروت: مرکز الخدمات والابحاث الثقافية، دار الجنان، ۱۴۰۸/۱۹۸۸، ج ۴، ص ۴۲۷)

۶. «السید ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله علی بن عبدالله الحسنی الراوندی من اهل قاشان، وراوند قرية من قراها، الشريف النسب، المنيف الابد، الكريم السلف، القديم الشرف، العالم العامل، المفضل الفاضل، قبله القبول، وعقله العقول، ذو الابهة والجمال، والبدیة والارتحال، الرائق اللفظ، الرائع الوعظ، متقن علوم الشریع فی الاصل والفرع، الحسن الخط والحظ، السعيد الجد، السديد الجد، له تصانیف كثيرة فی الفنون والعیون، واعظ قد رزق قبول الخلق، وفاضل اوتی سعة فی الرزق، مقلی الكتابة، صابی الاسبابة، عمیدی الاعتماد فی الرسائل، صاحبی الصمّة لاهل الفضائل، حصلنا ابان النکبة بقاشان، عند مقاساة الشدائد، ومعاندة الاقارب والاباعد، سنة ثلاث وثلاثین، وانا فی حجر الصغر بعید من الوطن والوطر، واخی معی وهو اصغر منی، وقد سلمنا والدنا إلى صاحب له من اهل قاشان،

رشک برانگیز در وصف دانش و تبحر و آوازه او در قرن ششم هجری ذکر کرده اند. این گزارش ها نشان می دهند که سید فضل الله بن علی الراوندی در قرن ششم هجری عالمی مشهور در شهر کاشان و اطراف آن شناخته می شده، استادان و شاگردانی میان بزرگان شیعه و اهل سنت داشته، آوازه اش به ری و طبرستان رسیده،^۷ ارتباطش با فقیهان و قضات و امیران و وزیران شیعه و سنی و نیز تبحرش در ادب عربی و علوم اسلامی او را بسیار شاخص و برجسته کرده است.

اندک پژوهش هایی که در دوره معاصر درباره حیات و آثار ابوالرضا راوندی انجام شده توانسته است اطلاعات تاریخی دقیق تری راجع به وی و محیطش در کاشان و مدرسه مجدیه ارائه دهد، اما این نوشته ها همچنان نیازمند بررسی و تکمیل است.^۸ برای برخی از گزارش های معاصر درباره زندگی و آثار وی رک به:

الف) مقدمه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در کتاب لمعة النور والضيء، فی ترجمة السيد ابی الرضا (۸۳۳-۵۶۳) که در واقع مقدمه ای است بر چاپ نسخه المناجات الالهيات (طبع تهران، به اهتمام فخرالدین النصیری الامینی، مطبعة الحیدری، ۱۳۴۳ش/۱۳۸۳ق)

ب) مقاله استاد فقید سید عبدالعزیز طباطبائی با عنوان «فی رحاب نهج البلاغه (۵) نهج البلاغه عبر القرون: شروحه حسب الترتیب الزمینی» در مجله تراثنا، سال ۹، ش ۲ و ۳ (۳۴ و ۳۵)، ربیع الآخر. رمضان ۱۴۱۴، ص ۱۵۴-۱۸۸

ج) مقدمه سعید رضا علی عسکری بر کتاب النوادر، تألیف ابوالرضا راوندی (قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷) د) کتاب درآمدی به شناخت نسخه های نهج البلاغه، نوشته محمد کاظم رحمتی، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷ش، صفحات ۸۰ به بعد.

با آنکه نام ابوالرضا راوندی در قیاس با دیگر عالمان مشهور شیعه در این قرن، چون امین الاسلام طبرسی،

۷. واقضا سنة نتردد إلى المدرسة المجدية، إلى المكتب وكنت اری هذا السيد اعني ابوالرضا وهو يعظ في المدرسة، والناس يقصدونه ويردون إليه، ويستفيدون منه... (عمادالدين الاصفهاني الكاتب: خريدة القصر وجزيدة العصر في ذكر فضلاء اهل فارس: تحقيق عدنان محمد آل طعمه: تهران: نشر ميراث مكتوب، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش، ص ۶۷-۷۵؛ همو: خريدة القصر وجزيدة العصر في ذكر فضلاء اهل اصفهان: تحقيق عدنان محمد آل طعمه: تهران: نشر ميراث مكتوب، ۱۴۱۹ق / ۱۳۷۷ش، ص ۲۴۱ و ۲۶۸ - ۲۶۹)

۸. علاوه بر گزارش صاحب نقض، ابن اسفندیار (م ۶۳۰ق) در تاریخ طبرستان (تصحیح عباس اقبال آشتیانی، به اهتمام محمد رضایی، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹) می نویسد: «وازر كبار علماء و سادات عراق [عجم] که ادراوات داشتند... و خواجه امام، فقیه آل محمد، ابوالفضل [كذا] الراوندی...».

۸. فی المثل هیچ یک از محققان جدید و قدیم اشاره نکرده اند که ابوالرضا راوندی از شاگردان ابوالفتح رازی (۵۵۶ق) بوده است، اما مراجعه به حواشی ابوالرضا راوندی بر کتاب الامالی سید مرتضی، در دو نسخه کتابخانه اسکو ریال مادرید، به شماره ۱۴۵ و کتابخانه فیض الله افندی استانبول، به شماره ۱۶۷۸ (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: عیسی البابی الحلبي وشرکاه، ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۴م، ج ۱، ص ۳۵۸) نشان می دهد که وی در ری در درس ابوالفتح رازی شرکت داشته و از او سماع کرده است: فی حاشیة الأصل، ف [حرف «ف» در این چاپ، اشاره به حواشی نسخه فیض الله افندی دارد]: «ویمکن أن یكون فی معنی الخبر وجه آخر، وهوانه علیه السلام إنما شبه القرآن بالمأدبة لما اشتملت علیه المأدبة من أنواع الأطعمة، من الحلو والحامض والمالح وغير ذلك مما لا یكون فی غیر المأدب، فکذلك القرآن یشتمل علی أنواع من العلوم لا توجد فی غیره، كما قال تعالی: وَلَا تَرْجُلْ وَلَا یُاسِ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ، وهذا وجه عن الشیخ الإمام جمال الدین أبی الفتح الرازی رحمه الله فی أثناء الدرس، وهو أقرب وأشبه من الوجهین المذكورین».

ابوالفتوح رازی، قطب‌الدین راوندی و حتی ابن شهر آشوب کمتر شنیده می‌شود، اثرگذاری علمی وی در تربیت شاگردان فراوان و ترویج مبانی علمی شیعه در دانش‌هایی چون کلام، فقه، حدیث، تفسیر و سیره نبوی بسیار مهم و قابل توجه است. علاوه بر تمام ویژگی‌های مهم یک عالم برجسته شیعه در قرن ششم هجری، اهمیت و جایگاه خاص ابوالرضا راوندی به تلاش او در روایت و انتقال مهم‌ترین آثار علمی شیعه و ادبی اهل سنت بازمی‌گردد. از این رو وی در آغاز خود و بعدها با کمک شاگردانش همواره کوشیده‌اند به نسخه‌های صحیح و اصیل، مانند نهج البلاغه، امالی سید مرتضی، صحاح جوهری، الحماسة ابوتمام و مانند آن دست یابند و در استنساخ، روایت و حاشیه‌نویسی بر آنها بکوشند. قوت و تبحر علمی و ادبی او از لابه لای حواشی اش بر این گونه آثار نیک هویدا است.

فهرست نویسان و تراجم‌نگاران قدیم آثار متعددی را برای ابوالرضا راوندی برشمرده‌اند که خوشبختانه برخی از آنها در سال‌های اخیر تحقیق و منتشر شده است. از آن جمله باید از الحماسة ذات الحواشی در هفت جلد (قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۳۴ق) النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری (قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷ش)، و ضوء الشهاب فی شرح الشهاب، تحقیق مهدی سلیمانی آشتیانی (قم: دارالحدیث، ۱۳۹۷ش) نام برد. دیوان اشعار وی به عربی نیز سال‌ها پیش با تحقیق مرحوم جلال‌الدین محدث ارموی انتشار یافته بود: دیوان السید الامام ضیاء‌الدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی الراوندی القاسانی، عنی بتصحيحه وطبعه: السید جلال‌الدین الارموی المشتهر بالمحدّث (تهران: مطبعة المجلس، ۱۳۳۴ش). برای سایر آثار مخطوط وی و اشاره به نمونه‌هایی از نسخه‌ها رک به: مقاله سید عبدالعزیز الطباطبائی، «فی رحاب نهج البلاغه (۵)»، ص ۱۷۰-۱۷۶ و مقاله «راوندی، فضل‌الله بن علی»، نوشته محسن معینی، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۰-۳۰۳.^۹

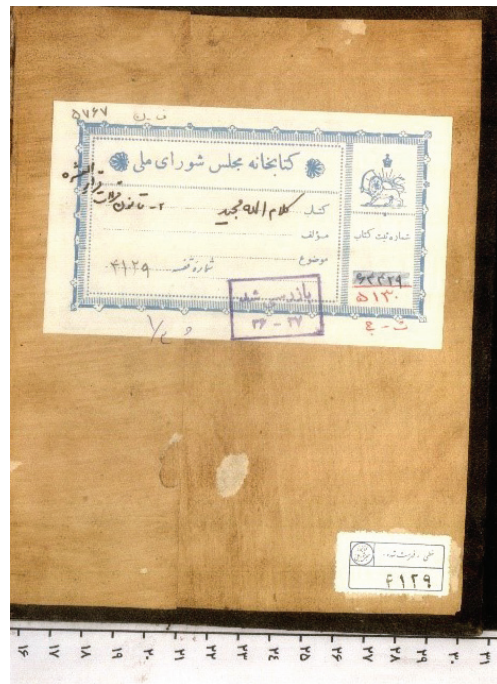
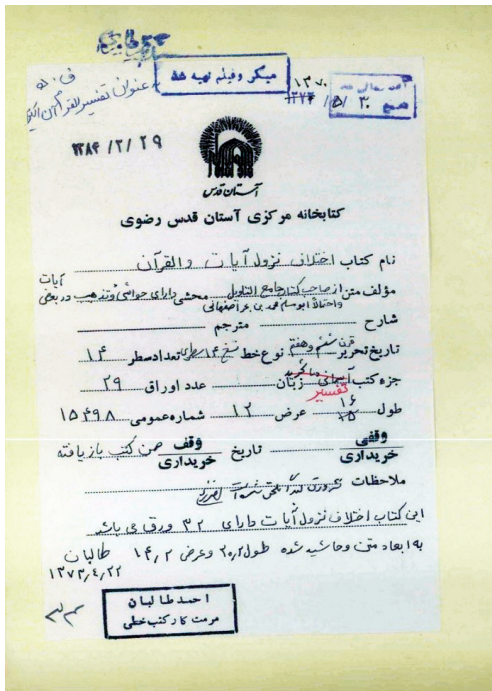
الكافی فی التفسیر

در شرح حال ابوالرضا راوندی گفته‌اند که او تفسیری بر قرآن نگاشته است. شاگرد وی شیخ منتجب‌الدین رازی (متوفای بعد از ۵۸۵ق) در شرح حال او نوشته است که وی تفسیری داشته، او آن را دیده و بخشی از آن را بر ابوالرضا راوندی قرائت کرده است. علامه حلی (م ۷۲۶ق) در اجازه‌اش به بنی زهره از این اثر با عنوان الکافی فی التفسیر یاد کرده است:

ومن ذلك كتاب الكافي في التفسير، املاء السيد الإمام ضياء الدين أبي‌الرضا فضل‌الله الحسنی عنی عن والدي، عن السيد صفی‌الدین معد الموسوی عنه.^{۱۰}

۹. در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخرا)، جلد ۳۵، ص ۸۳۴ ذیل نام «راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی» تنها به پنج نسخه از پنج اثر راوندی اشاره شده است.

۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۵ و السید علیخان بن احمد الممدنی الشیرازی؛ الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳، ص ۵۰۶.



▲ تصویر ۲: صفحه اطلاعات نسخه ۱۵۴۹۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی

▲ تصویر ۱: صفحه اطلاعات نسخه ۴۱۲۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

سخن علامه حلی نشان می‌دهد که این تفسیر ماهیتی امل‌گونه داشته و از این نظر مشابه المصایح فی تفسیر القرآن (تألیف ابوالقاسم وزیر مغربی) است. با این همه ظاهراً هر دو مفسر، خود متن نهایی «املاءات» خویش را ویراسته‌اند.

باری، پس از علامه حلی دیگر نشانی از رؤیت یا روایت این تفسیر مهم شیعی نمی‌یابیم. مفسران سده‌های بعد در دوره صفویه چون مولی فتح‌الله کاشانی، فیض کاشانی، عروسی حویزی، سیدهاشم بحرانی و نیز محدثانی چون علامه مجلسی نیز ظاهراً به این اثر هیچ دسترسی نداشته و از آن چیزی نقل نکرده‌اند. با این حساب باید این کتاب را همانند بسیاری از آثار مهم شیعه در قرون قدیم از دست رفته تلقی می‌کردیم، اما کشف نسخه‌ای کامل از این تفسیر در کتابخانه مجلس (به شماره ۴۱۲۹) و نسخه‌ای ناقص از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی (به شماره ۱۵۴۹۸)^{۱۱} خوشبختانه ما را به کاشان قرن ششم هجری، مدرسه مجدییه و احتمالاً السید الامام ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله الحسنی الراوندی می‌رساند. از آنجا که نسخه آستان قدس رضوی ناقص و تنها حاوی ۳۲ برگ است، در این مقاله تنها بر نسخه مجلس شورای اسلامی تمرکز داریم، اما در موارد خاص به نسخه آستان قدس ارجاع می‌دهیم.

شادروان احمد منزوی نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی را در شمار قرآن‌ها و با عنوان کلام‌الله مجید (تصویرش ۱) ثبت کرده و در معرفی آن به توصیف ظواهر بسنده کرده است.^{۱۲} نسخه را کاتبی به نام محمد بن جعفر بن بنجیر در روز دوشنبه، ۸ رمضان سال ۵۸۳ هجری قمری کتابت کرده و نام و امضای خود را در پایان متن قرآن نهاده است، (تصویرش ۸) اما علاوه بر اهمیت نسخه در کتابت قرآن به دست کاتبی شیعی اهمیت مضاعف آن به سبب حواشی تفسیری اطراف نسخه است؛ چراکه محتوای این حواشی با هیچ یک از تفاسیر شناخته شده شیعه و سنی تا قرن ششم هجری مطابقت ندارد. به دلیل محتوای شیعی این حواشی تفسیری، مفسر یقیناً شیعه است و به سبب مورخ بودن نسخه (رمضان ۵۸۳ قمری)، این تفسیر شیعی نمی‌تواند پیش از مجمع البیان و صاحب آن، امین الاسلام طبرسی (۵۴۸ق) تألیف شده باشد؛ زیرا در آن صورت نام و نشانی از آن در مجمع

۱۱. نسخه آستان قدس رضوی با وجود شباهت بسیار با نسخه مجلس در ساختار قرآن‌نویسی و نیز در حواشی تفسیری تفاوت‌هایی اندک در شکل قرآن‌نویسی با آن دارد: نخست متن قرآن در نسخه آستان قدس در ۱۴ سطر و در نسخه مجلس در ۱۳ سطر نوشته شده است. دیگر آنکه نسخه مجلس در پایان تمام آیات، علامت گل‌آیه قرار می‌دهد و افزون بر آن، هر آیه را با کتابت زرین کلمه «عشر» مشخص یا اصطلاحاً تعشیر می‌کند، اما نسخه آستان قدس پایان تک‌تک آیات را نشان نمی‌دهد و تنها با ترسیم دایره‌ای بزرگ و زرین در انتهای هر ده آیه تعشیر را نشان می‌دهد. با آنکه متن قرآن در هر دو نسخه به خط نسخ کهن کتابت شده، نظم و دقت کاتب در نسخه مجلس بیشتر از نسخه آستان قدس می‌نماید. (تصاویر شماره ۳ تا ۶)

۱۲. «شماره نسخه: ۴۱۲۹/۱، خط: نسخ، کاتب: محمد بن جعفر بن بنجیر، تا: دوشنبه ۸ رمضان ۵۸۳ق؛ با تفسیر برخی از کلمات میان سطور، عنوان و نشان شنگرف، آغاز هر سوره با سرلوح زرین و مشکی آراسته شده، فاصله آیه‌ها با نقشی زرین نشان داده شده است. در هامش حاشیه‌هایی بسیار در تفسیر و تعبیر واژه‌های قرآنی با نشانه «ه» دارد. در پایان نشانه‌های قطع وصل وقف و تنوین را در ۲۷ فقره نشان داده است. (۳۲۱) سپس شماره سوره‌ها و آیه‌ها و شماره حرف‌ها یک‌ایک از حرف «الف» تا «یاء» و دعای یوم استفتاح (۳۲۱) پ- (۳۲۵) در آغاز شرحی است به عربی درباره سوره الفاتحه با یادداشت تاریخ ۱۱۹۵ و ۱۲۷۷ و ۱۲۸۵ در آخر به خط نستعلیق. کاغذ: سمرقندی، جلد: تیماج قه‌وای ضربی ۱۶*۲۰، تعداد صفحات: ۱-۲۰-۳۲۰ پ، ۱۳ سطر (احمد منزوی؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی؛ جلد ۱۱، تهران، ص ۱۲۵، ۱۳۴۵)

البیان یا دیگر آثار تفسیری قرن ششم چون متشابه القرآن (ابن شهر آشوب) یا آثار تفسیری قطب الدین راوندی یافت می‌شد. این بدان معناست که این تفسیر در زمانی معاصر یا مجمع البیان یا اندک زمانی پس از آن تألیف شده، اما یقیناً متأخر از ربع آخر قرن ششم نبوده است.

در آغاز نسخه مجلس شورای اسلامی نشانی از نام مؤلف یا صاحب این آرای تفسیری نمی‌یابیم. چه بسا در صفحات نخست آن اثری از نام مؤلف بوده، اما در گذر زمان از بین رفته است. در میانه قرن ششم هجری تنها پنج تن را می‌شناسیم که می‌توانند مصنف این تفسیر بوده باشند: امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق)، ابوالفتح رازی (م ۵۵۶ق)، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) و ضیاء الدین ابوالرضا راوندی (زنده در ۵۷۱ق). آثار تفسیری مستقل به جامانده از چهار فرد نخست شباهتی اندک با متن حواشی تفسیری در نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی دارد، اما در مقابل، شواهدی بر قرابت این نکات تفسیری با روایات علمی ابوالرضا راوندی در نسخه مجلس شورای اسلامی و نسخه آستان قدس رضوی می‌توان یافت که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهیم کرد.

ظواهر نسخه کتابخانه مجلس نشان می‌دهد این نسخه قرآن از آغاز به قصد نگارش حواشی تفسیری یک عالم شیعی در قرن ششم هجری کتابت شده است. چنان‌که بیان شد، نسخه دیگری عیناً با همین ویژگی‌ها و با همین دستخط در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که از آن تنها بخش‌هایی از سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و ممتحنه باقی مانده است. این بدان معناست که کاتب شمار متعددی (بیش از یک نسخه) از این اثر را به صورت یکسان کتابت و تولید کرده است. من حدس می‌زنم چه بسا این کار در مدارس چون مدرسه مجدییه در کاشان صورت گرفته که مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن الفضل بن محمد الکاشانی (م ۵۳۵ق)^{۱۳} پس از بنای آن تولیت و سمت تدریس در آنجا را به ابوالرضا سید فضل الله راوندی سپرده بود.^{۱۴}

دوم آنکه برخلاف تمامی قرآن‌های کتابت شده در این دوره، نسخه شماره ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی از عموم علائم و نشان‌های رایج در حاشیه‌ها خالی است. علائمی چون شمس و ترنج

۱۳. ابوالرضا راوندی قصاید متعددی در مدح ابن وزیر شیعی (دیوان، ص ۶-۱۳، ۵۲-۵۵، ۵۹-۶۱، ۱۹۶-۱۹۷) و نیز در ثای او پس از وفاتش (دیوان، ص ۱۶۶-۱۷۰) سروده است. به شمارش شادروان محدث ارموی ۵۸۶ بیت از مجموع ۱۹۱۵ بیت این دیوان راجع به مجدالدین ابوالقاسم است. (دیوان، ص ۲۲۰) (برای شعری از وی در وصف مدرسه مجدییه، رک به: دیوان، ص ۱۹۸)

۱۴. سیدعلیخان بن احمد المدنی الشیرازی، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، ص ۵۰۶؛ سیدعبدالعزیز طباطبایی، همان، ص ۱۶۹. این حدس دور از واقع نیست که کتابت این نسخه از قرآن و تفسیر (ش ۴۱۲۹ در مجلس شورای اسلامی) در همان مدرسه مجدییه سامان یافته باشد. مقایسه‌ای میان این نسخه شیعی از قرآن با نسخه سنی معاصرش، یعنی «قرآن راوندی» (به شماره ۲۲۶۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی) که آن را احمد بن محمد بن علی راوندی در سال ۵۸۶ کتابت کرده و خواهرزاده وی محمد بن علی بن سلیمان راوندی (نویسنده راحة الصدور) در سال ۵۸۷ تذهیب کرده است، می‌تواند اطلاعاتی سودمند به نسخه‌شناسی قرآنی ما در کاشان سده ششم و نیز شباهت‌ها و تفاوت‌های کتابت شیعیان و اهل سنت از متن قرآن بیفزاید. گفتنی است محمد بن علی بن سلیمان راوندی که معتقد بود «کسانی که به بلاغت معروف بودند و صوب خراسان بخت و هنر تفارخه شاگردی ما کردند» (راحة الصدور، ص ۵۱) در مواضعی از کتابش (همان، ص ۳۹۳-۳۹۵) شیعیان (رافضیان) کاشان را سخت نکوهش کرده و ملحدشان خوانده است.



▲ تصویر ۳: نسخه مجلس شورای اسلامی، آیات بقره، ۲۵۹-۲۶۱



▲ تصویر ۴: نسخه آستان قدس رضوی، آیات بقره، ۲۵۹-۲۶۱



تصویر ۵: آغاز سوره نساء در نسخه مجلس شورای اسلامی



▲ تصویر ۶: آغاز سوره نساء در نسخه آستان قدس رضوی

و قندیل در اشاره به تخمیس و تعشیر آیات، سر جُزءها، سُبعها، نیم سُبعها، مواضع سجده و مانند آن همگی در این نسخه غایب‌اند. در واقع بخش اعظم برگه‌ها در اطراف متن قرآن به قصد کتابت این نکات تفسیری خالی رها شده‌اند و کاتب همزمان یا اندکی پس از کتابت متن قرآن حواشی تفسیری را در این قسمت نوشته است. در حاشیه بالای برگه تنها سوره و شماره جزء با رنگ قرمز نوشته شده و در جاهای دیگر به شماره حزب نیز اشاره شده است. برگ‌های باقیمانده از نسخه آستان قدس رضوی نیز عیناً همین ویژگی را دارند. نمونه‌هایی متأخرتر از این گونه کتابت همزمان قرآن و تفسیر در سده‌های هشتم تا دهم هجری، نسخه‌های متعدد از «تفسیر کتاب الله»، تألیف عالم زیدی طبرستان، ابوالفضل بن شهردویردیلمی است. در این نمونه‌ها، مثلاً در نسخه‌های ش ۴۰۲۸، ۱۲۲۷۸ و ۱۷۹۸۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه ش ۲۷۷ کتابخانه و موزه ملک و نسخه ۸۳۰۹ در کتابخانه ملی ایران، به همین صورت متن قرآن در میان برگه و حواشی تفسیری در اطراف برگه کتابت شده است^{۱۵}

محتوا و اجزای نسخه مجلس

پیش از ادامه بحث مناسب است به مختصات و جزئیات بیشتری از نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی اشاره کنم. این نسخه حاوی چند بخش است.

بخش نخست: متن قرآن در وسط برگه

بخش دوم: سرسوره‌های توصیفی در آغاز سوره‌ها

بخش سوم: ذکر اختلاف قرائت در حاشیه متن قرآن

بخش چهارم: حواشی تفسیری در اطراف برگه و میان سطور قرآن

بخش پنجم: ملحقات علوم قرآنی، تجویدی و قرائتی در پایان نسخه

تمامی این اجزای پنج‌گانه هماهنگ و متناسب با یکدیگر تألیف و کتابت شده‌اند. کاتب در هریک از این بخش‌ها به پاره دیگر اشراف دارد و گاه به آن ارجاع می‌دهد. بخشی از ملحقات پایانی نسخه برای کمک به فهم بهتر متن قرآن و قرائت نسخه و شیوه صحیح تلاوت آن درج شده است. همچنین مفسر غالباً نخست قرائتی را که در متن قرآن در نسخه کتابت شده است^{۱۶} تفسیر می‌کند و گاه به قرائت دیگر نیز در حواشی تفسیری اش اشاره می‌کند. وی به جز قرائت ذکر شده در متن قرآن تمام قرائت مهم دیگر در میان قراء عشره را در حاشیه ذکر می‌کند و گاه در متن تفسیر یا در بخش قرائت با عباراتی چون «وَقَدْ ذَكَرْتُهُ»، «قَدْ ذَكَرْتُ هَذَا فِي أَوَّلِ الْجَامِعِ»، یا «وَقَدْ ذَكَرْتُ اِخْتِلَافَ الْقُرَّاءِ فِي أَوَّلِ الْجَامِعِ»^{۱۷} به

۱۵. نسخه‌های شماره ۱۲۲۷۸ و ۱۷۹۸۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با همت و مقدمه سید محمد عمادی حائری چاپ عکسی شده است: تفسیر کتاب الله، ابوالفضل بن شهردویردیلمی، نسخه برگردان به قطع اصل از روی نسخه‌های خطی شماره ۱۲۲۷۸ (المجلدة الاولى) و ۱۷۹۸۲ (المجلدة الاخرى)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با مقدمه سید محمد عمادی حائری، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (قم)، ۲، جلد، ۱۳۸۸ ش.

۱۶. در ادامه خواهیم گفت که قرائت متن قرآن در بسیاری از مواضع با اصلاح فرد یا افرادی در دوران متأخر به روایت حفص از عاصم تغییر یافته، اما غالباً آثار قرائت قبلی پاک شده در نسخه پیداست.

۱۷. برای مثال در ص ۱۷۳ هنگام ذکر قرائت «أَبْنُ لَثَا» (اعراف: ۱۱۳) و در ص ۶: ذیل تفسیر «هُؤَلَاءِ» (البقره: ۳۲)، در ص ۱: ذیل تفسیر «أَلَمْ» (البقره: ۱).

جاهای دیگر از جمله بخش آغازین نسخه ارجاع می‌دهد. این عبارت اخیر نشان می‌دهد که نسخه ۴۱۲۹ احتمالاً در اصل دارای مقدمه‌ای نیز بوده که در وضع کنونی آن باقی نمانده است. اصطلاح «جامع» در سده‌های سوم تا ششم هجری غالباً بر خود مصحف قرآن اطلاق می‌شده است.^{۱۸}

بخش نخست نسخه متن قرآن است که در ۱۳ سطر به خط نسخ در وسط صفحه نوشته شده است. خوشبختانه متن کامل قرآن از آغاز تا انتها در نسخه باقی مانده است. هر سوره با یک مستطیل مذهب ساده از سوره قبل جدا می‌شود. کاتب بسمله را آیه جداگانه نمی‌شمارد و در انتهای هر آیه، گل آیه‌های زرین پنج پریا شش پُر قرار می‌دهد که چندان از نظم و دقت برخوردار نیست. طبیعی است که کاتب نسخه متن قرآن را بر اساس قرائت رایج کنونی (یعنی حفص از عاصم) کتابت کرده است. این امری کاملاً رایج در مشرق جهان اسلام دست‌کم تا میانه‌های قرن هفتم است که متن قرآن به یکی از قرائت غیر حفص، چون ابوعمر، کسائی یا به ترکیبی از قرائت مثل اختیار ابوعبید یا اختیار ابوحاتم کتابت می‌شده و در این خصوص هیچ تفاوتی میان کاتبان شیعه و سنی نبوده است.^{۱۹} کاتب خود در یکی از ملحقات پایانی نسخه با عنوان «هَذَا قَانُونُ قِرَاءَاتِ الْقُرْآنِ الْعَشْرَةِ» اظهار می‌کند که در اکثر موارد، قرائت مورد اتکا در کتابت متن قرآن در این نسخه، قرائت مورد اتفاق اکثریت قراء عشره است (ادامه مقاله را ببینید). با آنکه متن قرآن در این نسخه به روایت حفص از قرائت عاصم کتابت نشده و روایت حفص غالباً همراه برخی از قرائت دیگر در حاشیه متن قرآن مشخص شده است، در قرون متأخر فرد یا افرادی کوشیده‌اند متن قرآن را مطابق با قرائت حفص کنند. از این رو گاه در برخی مواضع متن قرآن مخدوش شده و قرائت حفص در آن اعمال شده است، اما اعراب و نُقْط موجود در قرائت پیشین نسخه به طور کامل از میان نرفته است.^{۲۰} برای فهرستی اجمالی از برخی اختلاف قرائت در متن نسخه

۱۸. برای مثال در انتهای قرآن منسوب به خط ابن یزَاب (نسخه جستریتی، مورخ ۳۹۱ق) چنین آمده است: «و کتب هذا الجامع علی بن هلال بمدينة السلام سنة احدى وتسعين و ثلثمائة...». همچنین این واژه در بسیاری از نسخه‌های کهن قرآنی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی در سده‌های چهارم و پنجم هجری به همین معنا بر متن مصحف قرآنی اطلاق شده است. از جمله جزوات قرآنی ۱۱۲۲۳، ۱۱۲۲۴، ۱۱۲۲۵ (وقف ابن سیمجور در سال ۳۶۳ قمری)؛ جزوه قرآنی ۴۴۰۳ (وقف ابوالحسن بن ابی‌علی بن الشاه در سال ۴۰۱ قمری)؛ جزوه قرآنی ۴۳۵۱ (وقف ام محمد بنت حاتم در سال ۴۱۹ قمری)؛ جزوه قرآنی ۳۲۵۴ (وقف ابونصر بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر در سال ۴۲۹ قمری)؛ جزوات قرآنی ۳۳۵۰-۳۳۶۳ (وقف ابونصر محمد بن ابی‌علی البرز در سال ۴۶۳ قمری)؛ جزوه قرآنی ۳۳۶۴ (وقف ابوالحرث حمزه بن حسین بن محمد در سال ۴۶۷ قمری)؛ جزوه قرآنی ۱۲۳۵۶ (وقف ابوعبدالله محمد بن عمر بن احمد الصیرفی در سال ۴۸۲ قمری). کاربرد این واژه به همین معنا در روایتی از داستان وفات زراره (حدود ۷۰-۱۵۰ ق) نشان می‌دهد که این معنا برای «جامع» در قرن دوم نیز کاملاً شناخته شده بوده است: «فدعا بالمصحف فقال... وانی مصدق بما انزلته علی فی هذا الجامع...». (الکشی، رجال الکشی، ج ۱، ص ۱۵۴. برای نمونه‌هایی دیگر رک. به: کریمی‌نیا، «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی: دست‌نوشته فارسی از احمد بن ابی‌القاسم خیفانی در پایان قرآنی از قرن سوم»، آینه میراث، ش ۶۱، ص ۹-۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶)

۱۹. برای نمونه‌هایی از کتابت شیعی از قرآن در قرون چهارم و پنجم هجری نگاه کنید به نسخه‌های ش ۳۲۲۴ تا ۳۲۳۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابت و وقف ابوالبرکات علی بن الحسین الحسینی (مورخ ۴۲۱ ق)، نسخه‌های ش ۳۰۱۶ تا ۳۰۳۰، وقف حمزه بن محمد بن عسی العلوی الحسینی (مورخ ۳۹۶ ق) و نسخه‌های ش ۳۲۹۷ تا ۳۲۹۹، وقف ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی (مورخ ۴۰۲ ق). تمام این نسخه‌های قرآنی کتابت شده یا وقف شده از سوی شیعیان به قرائتی غیر از حفص کتابت شده‌اند و از این نظر عیناً مشابه با کتابت کاتبان سنی در همین دوره‌اند.

۲۰. یک نمونه مشهور دیگر از قرآن‌های این جنبی نسخه MS. Garrett 38 در دانشگاه پرینستون (نیوجرسی، آمریکا) است که در اصل به قرائت ابوعمر و کتابت شده و در قرون بعدی متن آن مطابق با قرائت حفص از عاصم تغییر یافته است. از آقای مایکل کوک (دانشگاه پرینستون) سپاسگزارم که این ویژگی نسخه را به من یادآوری کرد. برای تفصیل مقاله یا سراسر ابهام را با مشخصات زیر ببینید:

۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی، رک به: جدول ش ۲ در انتهای مقاله.

متن قرآن در این نسخه از حیث رسم و هجای کلمات مطلقاً از رسم موسوم به «رسم عثمانی» تبعیت نمی‌کند؛ یعنی نسخه بر مبنای رسم املائی یا قیاسی نوشته شده است. این امر در قرآن نویسی ایرانیان از اواخر قرن سوم هجری تا به امروز شواهد و نمونه‌های فراوان داشته است. کاتبان ایرانی و نیز بسیاری از کاتبان دیگر مناطق جهان اسلام چون عراق و شامات و مصدر در قرون میانه مکرراً از رسم املائی یا قیاسی در نگارش کلمات عربی در آیات قرآنی استفاده کرده‌اند. نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی هم از این حیث بسیار طبیعی می‌نماید. به کارگیری و نگارش «الف» در بسیاری از کلمات عربی بر خلاف رسم عثمانی یکی از نمودهای این امر است. نمونه‌های فراوان آن را در رسم کلمات بروزن فاعل، چون عالم، فاسق، خالق، خالد، زاهد و ظالم، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم را با اثبات «ألف» می‌توان دید. همچنین کلمات پرتکراری چون آیات، بینات، کتاب، جنات، سماوات، ملائکه و ... را با اثبات «ألف» می‌توان دید. کلماتی چون لیل، التی و اللذان همواره با دو «لام» به صورت اللیل، اللاتی و اللذان نوشته می‌شوند. «باء و» و «جاء و» هم با اثبات «الف» زینت نوشته می‌شوند که برخلاف رسم عثمانی است.

کاتب همچنین در هنگام کتابت متن قرآن با به کارگیری علائمی اختصاری (کوتاه نوشت) به رنگ قرمز در لابه لای سطور قرآن جزئیاتی از مسائل تجویدی، مواضع وقف و ابتدا و اشارات نحوی را به خواننده ارائه می‌دهد. برخی از این علائم که فهرست آنها را در انتهای نسخه با عنوان «معرفة ما فی متن القرآن وعلاماته علی حروف المعجم» می‌یابیم به قرار زیر است: النفی والجحد (ن)، الاستفهام والتعجب (م)، الشرط (ط)، الکافة (ک)، الصلة (ص)، الخبر (خ)، الإضافة (ض)، الظرف (ظ)، المبالغة (غ)، التنوین (خ)، الحذف (ح)، الواجب (ب)، الإمالة (ا)، الوصل (ص)، الإدغام (م)، الفصل (ص)، الوقف (ه)، المراقبة (و)، المدّ (م)، التشدید (س)، التخفیف (خف)، ما لا يجوز غیره (لاجر)، ما لا يجوز بالهمز (بلاهمز)، ما لا يجوز بالمدّ (بلامدّ)، بضدّهما (بالهمز بالمدّ)، الهمزة (ه)، فقس علی هذا ما فی القرآن. (تصویر شماره ۸)

بخش دوم و متمایز نسخه ۴۱۲۹ توضیحات کاتب در معرفی سوره‌ها با رنگی متفاوت است. در آغاز هر سوره کاتب نسخه مطابق سنتی بسیار کهن توضیحاتی در معرفی سوره می‌نویسد و در آن به شمار آیات (بنا بر مکاتب مختلف عد الای) تعداد کلمات و حروف سوره اشاره می‌کند. سپس در پایان، روایتی در فضل قرائت سوره از پیامبر ذکر می‌کند. این توضیحات سرسوره گاه خیلی بلند و مفصل است (بین یک تا یک و نیم صفحه) و گاه در اواخر قرآن کوتاه و مختصر است، اما همه جا و همواره با رنگ قرمز و در وسط متن قرآن، نه در حاشیه صفحه کتابت شده است. از نکات قابل توجه در این توضیحات

آن است که کاتب همواره هنگام ذکر نام پیامبر اکرم، صلوات کامل شیعی، یعنی «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» را می‌نویسد و این نخستین قرینه بر تشیع کاتب است.

یک نکته مهم آن است که این گونه سرسوره نویسی دست کم از اواخر قرن چهارم هجری در ایران و عراق رایج بوده است و به تدریج تحول و تطور نیز یافته است. متن توضیحات سرسوره‌ها در معرفی هریک از سوره‌ها تقریباً ثابت است و کاتبان مختلف این متن را در آغاز هریک از سوره‌ها با قلمی متفاوت می‌نوشته‌اند. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که تا کنون با این شیوه خاص کتابتی یافته‌ام، مورخ ۴۰۲ هجری است و اکنون در کتابخانه بریتانیا (به شماره Or13002) نگهداری می‌شود. نسخه شماره ۳۶۱۰ در موزه ملی ایران (مورخ ۴۱۶ ق)، نسخه قرآن شماره ۵۵ در آستان قدس رضوی (کتابت قرن چهارم یا پنجم)، نسخه قرآن شماره ۵۷۵ در المکتبه الروضة الحیدریه، حرم علوی در نجف اشرف (مورخ ۴۷۷) از همین دست قرآن‌ها هستند. گاه برخی کاتبان قرون بعدی این سرسوره‌های مفصل را در آغاز هر سوره به فارسی نوشته‌اند؛ برای مثال در نسخه شماره ۲۰ در کتابخانه هدایی افندی (مورخ ۶۲۱ ق)، نسخه میکروفیلم شماره ۳۶۲۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه شماره ۱۳۶۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران). تعداد چنین نسخه‌های قرآنی در فاصله سده‌های چهارم تا هشتم هجری بسیار زیاد است و تحولات آن خود نیازمند بررسی جداگانه است. تفاوت مهم تمامی نسخه‌های فوق با نسخه ش ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی آن است که کاتب نسخه مجلس در عین رونویسی از این سنت، صلوات آن را به صورت کامل و شیعی ذکر کرده است.

نگارنده با بررسی نمونه‌های متعددی از این سرسوره نویسی تفصیلی در آغاز سوره‌های قرآن در نسخه‌های قرآنی قرون چهارم تا ششم به این نتیجه رسیده است که مجموعه اطلاعات ذکر شده در آغاز هر سوره به احتمال قوی از یکی از آثار قرآنی و مفقود ابومسلم محمد بن بحرافهانی (م ۳۲۴ ق) گرفته شده است. شاهد این امر آن است که در تمام این سرسوره‌ها در آغاز دو سوره نساء و شوری، نویسنده متن اصلی تعبیری به کار برده است که تنها می‌تواند متعلق به ابومسلم اصفهانی باشد. آن عبارت با کمی تفاوت در نسخه‌ها چنین است: «قَدْ ذَكَّرْنَا سَبَبَ قِصَّتِهِ فِي جَامِعِ التَّأْوِيلِ» / «وَقَدْ بَيَّنَّنَا شَرْحَ هَذَا فِي جَامِعِ التَّأْوِيلِ». از آنجا که قدیمی‌ترین نسخه شناسایی شده و حاوی این عبارت (به شماره Or13002 در کتابخانه بریتانیا) در سال ۴۰۲ هجری کتابت شده و عبارت «جامع التأویل» در این زمان تنها و تنها بر تفسیر ابومسلم اصفهانی اطلاق می‌شده است، این نتیجه به دست می‌آید که کاتبان این نسخه‌های کهن قرآنی متن سرسوره‌های خود را از کتاب و نوشته ابومسلم اخذ کرده و در این دو موضع، متن آن را ویرایش نکرده‌اند.^{۲۱}

بخش سوم نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی حاشیه‌های منظمی است که به صورت ستونی عمودی در کنار متن قرآن به ذکر اختلاف قرائات قرآنی اختصاص یافته است. کاتب نسخه

۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی در ستونی منظم در حاشیه متن قرآن با استفاده از حروف اختصاری قرمز رنگ به مهم ترین موارد اختلاف قرائت اشاره می کند. وی در پایان نسخه فهرست کامل و دقیقی از این حروف اختصاری را بیان می کند که خود نظامی شناخته شده برای کاتبان و قراء قرآن در سده های پنجم و ششم هجری بوده است. برای نمونه هایی دیگر از همین سبک کتابت قرائت مختلف در حاشیه قرآن های قدیم نگاه کنید به: نسخه قرآن ش ۳۶۱۰ در موزه ملی ایران (مورخ ۴۱۶ق)، نسخه قرآن ش ۱۱۲۹۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مورخ ۵۹۷ق)، نسخه قرآن ش ۲۲۶۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی، معروف به «قرآن راوندی»، کتابت احمد بن محمد بن علی الراوندی (مورخ ۵۸۶ق) و یک نمونه نسبتاً متأخر به شماره ۲۲۴۸۱ در موزه ملی ایران، کتابت احمد بن عبدالله بن احمد الجزیری الزبیدی (مورخ ۱۰۰۳ق). چنان که کاتب نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی در انتهای نسخه و بخش ملحقات آن (برگ ۳۲۵ ب) اشاره کرده، این نظام علامت گذاری اختصاری برای ارجاع به هریک از قراء عشره و نیز برای اشاره به هریک از راویان این قراء به شرح زیر است:

هَذَا قَانُونُ قَرَاءَاتِ الْقُرْآنِ الْعَشْرَةِ، وَهُمْ أَهْلُ الْحِجَازِ وَالشَّامِ وَالْعِرَاقِ وَرَوَاتُهُمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ بِالْإِقْتِصَارِ مِنْ أَسْمَائِهِمْ عَلَى حُرُوفٍ مِنْهَا وَذَكَرَ الْكَلِمَاتِ الْمُخْتَلَفِ فِيهَا مَرَّةً وَاحِدَةً، وَأَكْثَرَ مَا فِي الْجَامِعِ مَا قَرَأَهُ أَكْثَرَهُمْ، وَبِاللَّهِ تَعَالَى التَّوْفِيقُ.

ذَكَرْتُ رَجْمَةَ أَسْمَاءِ الْقُرْآنِ الْعَشْرَةِ عَلَى أَطْرَافِ الْأَوْرَاقِ وَرَوَاتِهِمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ.

نافع: (ع) وروایه ورش: (ش) وقالون: (ن) واسمعيل: (ل) والمسيبي: (مس)

ابن كثير: (ر) وروايه البري: (ب) والقواس: (س) وابن فليح: (ح)

ابن عامر: (مر) وروايه العجمي: (مي) والتغليبي: (بي) وهشام: (شا) والاخفش: (فش)

ابوعمر: (و) وروايه البيهقي: (د) وشجاع: (ج)

عاصم: (م) وروايه ابوبكر: (ك) وحفص: (ص)

حمزة: (ه) وروايه سليم: (يم) وله رواية، منهم خلف: (خف) وخالد: (خل)

الكسائي: (ي) وروايه ابو الحرث: (ث) وابوعمر: (بو) وقتيبة: (به) ونصر: (نص)

ابوجعفر: (فر) من طريق واحد

يعقوب: (ب) وروايه رويس: (يس) وروح: (ح)

خلف: (ف) من طريق واحد

ق: علامة الباقيين من العشرة. فهؤلاء القراء العشرة ورواتهم رحمهم الله.

علائم اختصاری فوق در اشاره به ۲۸ قاری و راوی قرائت به ترتیب الفبایی در جدول شماره ۱ نمایش داده شده‌اند:

جدول شماره ۱: اختصارات مربوط به اسامی قراء عشره و راویانشان

ب: یعقوب	بز: البزّی	بو: ابوعمر	به: قتیبة	ث: ابوالحرث	ج: شجاع	ح: روح
خف: خلف	خا: خالد	د: الیزیدی	ز: ابن کثیر	س: القواس	ش: ورش	شا: هشام
ص: حفص	ع: نافع	ف: خلف	فر: ابوجعفر	فش: الاخفش	ق: الباقون من العشرة	کز: ابوبکر
ل: اسمعیل	م: عاصم	مر: ابن عامر	مس: المستیبی	می: العجمی	ن: قالون	نص: نُصْر
و: ابوعمر	ه: حمزه	ی: الکیسانی	ح: ابن فلیح	یس: رويس	یم: سلیم	یی: التغلبی

بخش چهارم که اصلی‌ترین قسمت نسخه ۴۱۲۹ به شمار می‌آید، حواشی تفسیری در اطراف برگه‌هاست. این حواشی یکدست نیستند؛ در برخی برگه‌ها بسیار زیاد و انبوه و در برخی دیگر اندک و تُنک‌اند. گاه هم به اختصار در حد یکی دو کلمه در میان سطور نوشته شده و در آن به معنای لغوی یا اصطلاحی برای یک واژه قرآنی بسنده شده است. با توجه به مشابَهت تام و تمام حواشی این نسخه با نسخه شماره ۱۵۴۹۸ آستان قدس رضوی به نظر می‌رسد کاتب، این مجموعه حواشی تفسیری را با دقت از منبعی مستقل رونویسی کرده است؛ یعنی این حواشی املائی مستقیم مفسر و کتابت لحظه‌ای کاتب نیستند.

محتوای تفسیر

سبک و محتوای این تفسیر شیعی است و قطعاً از مفسری شیعی صادر شده است. مفسر در تمام آیات مرتبط با مباحث اختلافی در فقه و کلام اسلامی برداشت شیعی را ارائه می‌دهد. از جمله در موضوعاتی چون نکاح متعه، خمس و انفال، تقیه، شفاعت، عصمت انبیا و ائمه (علیهم السلام)، رؤیت خداوند، صفات موهّم تجسیم خداوند، امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مانند آن. همچنین تقریباً تمام روایات اسباب نزول آیات مربوط به امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان (علیهم السلام) را به‌طور کامل و غالباً با استناد به راویان و منابع اهل سنت ذکر می‌کند.

با آنکه سبک تفسیری مفسر به مکتب شیخ طوسی، سید مرتضی و امین‌الاسلام طبرسی بسیار نزدیک است، اما رونویسی یا تلخیص از هیچ یک از آثار این سه تن نیست. همچنین متن آن شباهت به دیگر آثار تفسیری اجتهادی شیعه و پیروان سبک شیخ طوسی، چون ابن ادریس، امین‌الاسلام طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب‌الدین راوندی، ابن شهر آشوب و... ندارد.^{۲۲} محتوای تفسیری اثر عمدتاً مشتمل

۲۲. در خصوص ویژگی‌های مکتب تفسیری شیخ طوسی و پیروان وی رک به: کریمی نیا «چهار پارادایم تفسیری شیعه: مقدمه‌ای در تاریخ تفسیر شیعی برقرآن کریم»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۷۲-۱۹۶.

است بر ذکر شأن نزول آیات، شرح آیات مربوط به سیره، توضیحات لغوی و ادبی، توضیحات فقهی و کلامی درباره آیات و اشاره به جزئیاتی از اختلاف قرائت در آیه و تبیین معنای آن. این توضیحات تفسیری تنها به برخی آیات و در هر آیه، تنها به برخی از کلمات و جملات آن آیه محدود می‌شود؛ یعنی مفسر قصد تفسیر تک تک کلمات و آیات قرآن کریم و پرداختن به حل تمام جزئیات را نداشته است.

با اینکه مفسر خود شاگرد طبرسی بوده و به واسطه تلمذ نزد ابوعلی الطوسی، از شاگردان مکتب تفسیری شیخ طوسی نیز به شمار می‌آید و حتی می‌توان گفت از الگوی کلی مجمع البیان و سلف آن، التبیان فی تفسیر القرآن اثر پذیرفته است، در کار خود به هیچ‌روی تلخیص‌کننده دو تفسیر التبیان و مجمع البیان نیست. شکل ورود و خروج مباحث در اثر وی متفاوت از مجمع البیان است. همچنین وی نقل قول‌هایی از برخی معتزله دارد که نشان می‌دهد مستقیماً از خود آثار معتزله یا تألیفاتی غیر از التبیان و مجمع البیان استفاده کرده است.^{۲۳} مرور مواضع مختلف این تفسیر نشان می‌دهد توضیحات مفسر عموماً از خود وی است^{۲۴} و به جز چند ارجاع کوتاه به جامع البیان طبری، وی از متن هیچ تفسیر مشهور و متعارفی از متقدمان شیعه و سنی و معاصران خود، مانند تفاسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی، التبیان طوسی، الکشف و البیان ثعلبی، التهذیب حاکم جشمی، الکشاف زمخشری و مجمع البیان طبرسی استفاده مستقیم نکرده و از ایشان نام هم نبرده است. با این همه گاه شباهت‌هایی میان جملات آن با التبیان و مجمع البیان دیده می‌شود.^{۲۵}

مفسر همواره بعد از ذکر نام پیامبر، صلوات کامل شیعی. صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. را می‌نویسد و برای سایر ائمه و حضرت فاطمه علیهم السلام نیز به طریق شیعی دعا می‌کند. حتی در جایی برای جعفر بن ابیطالب تعبیر علیه السلام و در دو موضع برای زید بن علی تعبیر علیهما السلام می‌آورد. وی تقریباً همه جا از امام علی (علیه السلام) با عنوان مطلق امیر المؤمنین (علیه السلام) (۴۸ بار در برابر ۲۰ بار علی (علیه السلام) یاد می‌کند. در سه موضع از امام صادق (علیه السلام) با تعبیر ابو عبد الله یاد می‌کند و در جاهای دیگر (۱۶ جا) الصادق (علیه السلام) می‌گوید. همچنین در دو جا از امام باقر (علیه السلام) با تعبیر ابو جعفر نام می‌برد و در سایر مواضع (۱۹ جا) الباقر (علیه السلام) می‌گوید. از سوی دیگری با احترام از تمامی صحابه یاد می‌کند و پس از ذکر نام ایشان، تعبیر رضی الله عنهم به کار

۲۳. مثلاً در آغاز تفسیر در معنای کلمه «آیه» می‌نویسد: «وَالْآيَةُ عَلَىٰ مَعْنَى: أَحَدُهُمَا الْعَلَامَةُ الْبَاهِرَةُ، وَالثَّانِي: الْجَمَاعَةُ؛ يُقَالُ لِلْجَمَاعَةِ آيَةٌ. وَقَالَ أَبُو مُشَلِّمٍ بَنُ يَخْرُ: الْآيَةُ: الْعَزِيمَةُ وَالْعِبَادَةُ. وَقَوْلُهُ: «رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً» [مریم: ۱۰] سَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَتَعَدَّه بِسَيِّءٍ وَيُخْضَهُ بِهِ شُكْرًا لِمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ مِنَ الْوَالِدِ». این عبارت منسوب به ابومسلم را در جایی نیافته‌ام.

۲۴. مراد این نیست که این آراء تفسیری را در سایر آثار تفسیری قدیمی‌تر نمی‌توان یافت. در اینجا منظور این است که اقوال و جملات این تفسیر رونویسی یا تلخیص مستقیم یک اثر تفسیری دیگر نیست، به عکس مختصر التبیان، اثر ابن ادریس که به روشنی تلخیصی از التبیان فی تفسیر القرآن است و به عکس تفسیر مجمع البیان که تا حد بسیار زیادی بازنویسی و بسط التبیان شیخ طوسی همراه اضافات و دسته‌بندی‌های تازه است.

۲۵. در تفسیر (ال عمران: ۱۸۰) در برگ ۳۹ رو عباراتی درباره قرائت دارد که در قیاس با مجمع البیان تفاوت آن دو کاملاً مشخص می‌شود. همچنین داستان غرانیق را به تفصیل نقل می‌کند، اما برخلاف رویه‌اش در این‌گونه مباحث کلامی هیچ ردّ و طعنی بر آن وارد نمی‌کند، اما داستان غرانیق در مجمع البیان به‌کلی مردود شمرده شده است. (ادامه را ببینید)

می برد، مثل: ابوبکر رضوان الله علیه در ذیل آیه غار (نیز در ۱۴۵ رو)؛ ابی بکر و الصحابه رضی الله عنهم (۶۲ پست)؛ و هم قوم من الصحابة رضی الله عنهم (۶۵ رو)؛ عمار بن یاسر رضی الله عنه (۱۴۹ رو)؛ عثمان بن مظعون و عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عمر رضی الله عنهم (۶۵ رو)؛ سلمان الفارسی رضی الله عنه (۱۴۸ پست)؛ ابن عباس رضی الله عنه (۱۵۸ رو).

از اقوال مفسران متقدم در میان صحابه و تابعین نام ابوبکر ۲ بار، عثمان بن عفان ۱ بار، ابن مسعود ۱۱ بار، عائشة، ۵ بار، ابن عباس ۱۲۱ بار، انس بن مالک ۱ بار، مجاهد ۷ بار، حسن بصری ۱۹ بار، السدی، ۶ بار، ضحاک ۳ بار، ابن جریج و شعبی و محمد بن کعب قُرظی و عطاء هر کدام ۱ بار در متن تفسیر آمده است. نام مفسران بعدی چون فراء ۹ بار، ابو عبید ۲ بار، ابو عبیده ۲ بار، طبری و ابن جریر ۴ بار، زجاج ۱۷ بار و لغویان و ادیبانی چون سیبویه ۹ بار، خلیل بن احمد، ۳ بار، مفضل بن سلمه ۲ بار، ابو عثمان مازنی ۲ بار، ابوبکر سراج و ابوعلی فارسی ۱ بار و مبرد ۱۱ بار آمده است. ذکر نام فقیهان بسیار اندک است و تنها به نام ابوحنیفه و شافعی هر کدام ۵ بار محدود می شود. نام هیچ فقیه یا مفسر شیعه ای در تفسیر نیامده است، اما ذکر اسامی متکلمان معتزلی در آن نسبتاً زیاد است: ابوبکر اصم (۱ بار)، بلخی (۲ بار، ۱ باز: ابوالقاسم)، ابومسلم اصفهانی (۱۰ بار)، ابوعلی الجبائی (۷ بار)، عبدالجبار همدانی (۱ بار) و ابوالحسن علی بن عیسی الرقمانی (۴ بار) افرادی هستند که غالباً نامشان برای ذکر نکته ای کلامی یا لغوی در تفسیر ذکر می شود و این امر نیز نشان از وابستگی مفسر (ابوالرضا راوندی) به جریان کلامی و تفسیری سید مرتضی و شیخ طوسی دارد.

مفسر به طور معمول به توضیحات فقهی در خصوص آیات الاحکام توجه دارد، اما برجسته نبودن «آیات الاحکام» در این تفسیر نشان می دهد که مؤلف آن، قطب الدین راوندی (۳۵۷۳ ق) دیگر عالم راوندی معاصر با ابوالرضا راوندی نمی تواند باشد. به علاوه بررسی توضیحات فقهی ذیل آیات الاحکام در این تفسیر با بخش های متناظر در فقه القرآن قطب الدین راوندی نشان می دهد که این دو متن شباهت های جزئی اندکی دارند. همچنین اثر دیگری به نام خلاصة التفاسیر را به قطب الدین راوندی نسبت داده اند^{۲۶} که نسخه ای از جلد دوم آن به شماره ۱۱۹۱۷، در برگ در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی موجود است. این نسخه به احتمال قوی در قرن دهم کتابت شده است و محتوای تفسیری آن شباهت های کلی با نسخه ۴۱۲۹ مجلس دارد، اما تفاوت های آن نیز بسیار است. با بررسی قسمت های مختلف این دو اثر می توان به سادگی نتیجه گرفت که نسخه کتابخانه مجلس نمی تواند نسبتی با خلاصة التفاسیر قطب الدین راوندی داشته باشد. در نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی از خلاصة التفاسیر، همه جا «صلی الله علیه و سلم» برای پیامبر، «رضی الله عنهم» برای صحابه و «علیه السلام» برای امیرالمؤمنین آمده است. با آنکه در آن، نقل اقوال صحابه و تابعین کم و بیش یافت می شود و توجه به قرائات قرآنی نیز نسبتاً زیاد است، از صادقین (علیهما السلام) ذکر صریح و نقل

۲۶. منتجب الدین رازی (فهرست، ص ۶۸) دو عنوان تفسیری به نام های خلاصة التفاسیر در دو مجلد و تفسیر القرآن در دو مجلد را به وی نسبت می دهد.

روایتی نیافتیم. همچنین جستجو در تفسیر برای یافتن نام و نشان و قولی از معتزله ما را به نتیجه‌ای نرساند.

دغدغه‌های متکلمان

چند نکته دیگر در حواشی تفسیری نسخه کتابخانه مجلس هست که ما را به ابوالرضا راوندی نزدیک تر می‌کند: نخست علاقه مفسر به نهج البلاغه و تقدّم وی در شرح نویسی بر نهج البلاغه است.^{۲۷} دوم اهتمام خاص وی به لغت و نحو و اشتقاق که از دیوان اشعار وی به عربی، حواشی اش بر امالی سید مرتضی و نیز از دیگر کتابش الحماسة ذات الحواشی نیز برمی‌آید و سوم توجه فراوان او به تمامی نکات کلامی در آیات قرآن است. در خصوص نکته سوم باید گفت که مفسر ما تقریباً تمام آیات موهّم لغزش انبیا را همانند سید مرتضی تأویل می‌کند و با شدت تمام از عصمت همه جانبه ایشان دفاع می‌کند. تمام آیات مرتبط با رؤیت و تجسم خداوند را با توضیحات مفصل کلامی تأویل می‌کند و در ابطال ادله مخالفان از اهل سنت می‌کوشد. اکنون مناسب است برخی از مهم‌ترین مباحث کلامی را در این تفسیر مرور کنیم.

هدایت و اضلال الهی

تقریباً تمام آیاتی که در آنها از مشیت یا خواست خداوند در هدایت و اضلال بندگان سخن گفته شده، در تفسیر راوندی با تذکری متکلمان همراه است. وی به این منظور و برای حل مشکل جبر و اختیار مکرر از تعبیر «لطف عام و لطف خاص» استفاده می‌کند. هدایت خداوند را لطف خاص خداوند به مؤمنانی می‌داند که از لطف عام خداوند و هدایت عام او بهره برده‌اند و در مقابل اضلال الهی را به معنای محرومیت کافران از هدایت خاص الهی می‌شمارد؛ چراکه از قبول هدایت و لطف عام الهی سرباز زده‌اند.^{۲۸} نمونه‌های زیر در تفسیر راوندی از این قبیل است:

۲۷. برای مثال ذیل تفسیر آیه ۹۳ سوره اسراء می‌نویسد: «وَكُلُّ هَذَا مِنْ بَرَكَةِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَى أَنَّهُ تَعَالَى قَدْ أَظْهَرَ فِيهِمْ مَا لَا يَقْضُرُ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَقْبَلُوهُ كَالسَّجِرَةِ الَّتِي جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَكَرَهَا فِي بَعْضِ خُطَبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». تا این زمان هیچ مفسر شیعی را نمی‌شناسیم که در تفسیر خود به خطبه‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه استناد کرده باشد. استاد فقید سید عبدالعزیز طباطبایی (همان، ص ۱۶۰) نشان داده است که علاوه بر اشراف و تسلط ابوالرضا راوندی بر نهج البلاغه و روایت و اجازة آن وی را باید نخستین شارح و محسّن نهج البلاغه دانست.

۲۸. تفکیک اصطلاحی «لطف خاص» از «لطف عام» در ادوار مختلف کلامی دست کم به سه گونه متفاوت رخ داده است. نخست: لطف عام = لطف دائمی و همیشگی = امامت / لطف خاص = لطف موقتی و مقطعی = نبوت. این کاربرد را در آثار کلامی علامه حلی (مثلاً در دو عبارت «الإمامة لطف عام والنبوة لطف خاص» یا «من خالف الإسلام ينكر النبوة وهي لطف خاص والناصب ينكر الإمامة وهي لطف عام») می‌توان یافت.

دوم: لطف عام = لطف عمومی و شامل همه مردم / لطف خاص = لطف خصوصی و خاص بعض افراد. این کاربرد را در عبارت «فوات اللطف العام بظهوره متمكناً لا يعدو إثمه من سببها وأوحج إليها، وإن كان اللطف الخاص بوجوده ومعرفته وترقيه حاصلًا للألبان» (اشارة السبق إلى معرفة الحق، نوشته علاء‌الدین ابوالحسن علی بن حسن بن ابوالمجد حلبی در قرن ششم، ص ۶۴) می‌توان یافت.

سوم (که در اینجا مراد ماست): لطف عام = هدایت عمومی / لطف خاص: هدایت ویژه و توفیق مختص به بعضی افراد. این نوع کاربرد در تفسیر راوندی کاربرد بسیار زیادی دارد، اما در سایر متون کلامی و تفسیری پیش از قرن ششم، نمونه آن را نمی‌یابیم. تنها نمونه مشابه قرن ششمی را در تفسیر روض الجنان و روح الجنان (ج ۱، ص ۹۹)، اثر ابوالفتح رازی، استاد فضل‌الله راوندی یافته‌ایم که آن را عیناً در اینجا نقل می‌کنم: «دگر به معنی زیادت الطاف باشد که خدای تعالی با مؤمنان کند در ادای طاعات واجتناب مقبّحات، که آن با کافران

الف) «وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»، (البقرة: ۲۱۳) أَى: يَخْصُهُ بِاللُّطْفِ الْخَاصِّ.

ب) «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي»، (الأنعام: ۱۷۸) أَى: مَنْ يَهْدِيهِ اللَّهُ اهْتَدَى، وَمَنْ حَبَسَ عَنْهُ اللَّطْفَ الْخَاصَّ ضَلَّ وَخَسِرَ لِأَنَّهُ صَبَحَ اللَّطْفَ الْعَامَّ. (نيزدر المائدة، ۶۷)

ج) «مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ يَضِلُّهُ»، (الأنعام: ۳۹) وَذَلِكَ بَعْدَ اخْتِيَارِ الْكُفْرِ، فَإِذَا أَرَادَ الْكُفْرَ وَاحْتَارَهُ حَبَسَ اللَّهُ عَنْهُ اللَّطْفَ الْخَاصَّ لِأَنَّهُ أَبْطَلَ اللَّطْفَ الْعَامَّ فَيَضِلُّهُ اللَّهُ.

د) «فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ»، (الأنعام: ۱۰۰) كَلَامٌ مُسْتَأْنَفٌ وَلَا يَتَعَلَّقُ بِ«نَطْبَعِ»؛ وَيَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْمَعْنَى أَنَّهُ تَعَالَى طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ أَنَّهُمْ لَا يَسْمَعُونَ وَيَكُونُ يَسْمَعُونَ عَلَةً لِلطَّبْعِ؛ يَعْنِي يَمْنَعُهُمُ اللَّطْفَ الْخَاصَّ.

تنزیه الانبیاء و عصمت پیامبران

راوندی تقریباً هیچ لغزشی را بر انبیای الهی روا نمی‌دارد و با جدیت در تبیین و توجیه کلامی و تاریخی این دسته از آیات می‌کوشد. رسولان، انبیا و امامان از صغیره و کبیره معصوم‌اند. بلعم باعورا را نبی نمی‌داند؛ چراکه نبی نمی‌تواند از نبوت خلع شود. کشتن قبطی به دست موسی را حق قبطی می‌داند، جز آنکه موسی او را زودتر از زمان معهود اجلس به قتل رسانده است. خطاب آیات نخست سوره عبس را از پیامبر منصرف می‌داند؛ زیرا خلق وی عظیم است و نمی‌تواند عبوس بوده باشد. در آیات نخست سوره فتح: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ» و در آیه ۵۵ سوره غافر: «وَاسْتَغْفِرْ لَدُنِّيكَ» حذف مضاف رخ داده است. برخی از این موارد را که دیدگاه راوندی در خصوص تنزیه الانبیاء نشان می‌دهد در ادامه بیان می‌کنم:

«أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ»، (البقرة: ۱۳۲) أَى: إِنْ كُمْ لَمْ تَحْضُرُوا ذَلِكَ فَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ رُسُلِي الْمَعْصُومِينَ الْمُحَالَ وَلَا تَنْسُبُوا إِلَيْهِمُ الْيَهُودِيَّةَ وَالنَّصْرَانِيَّةَ فَإِنِّي مَا بَعَثْتُهُمْ إِلَّا بِالْإِسْلَامِ.

«وَمِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۴۶) لَا يَجُوزُ فِي الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا الصَّلَاحُ، وَإِنَّمَا قِيلَ لِأَنَّهُ لَمْ يَقَعْ مِنْهُ مِنْ جُمْلَتِهِمْ ذَنْبٌ فَخَصَّ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ لَا يَتَخَلَّلُ صِلَاحَهُ خِلَافَ ذَلِكَ. وَقِيلَ: لِأَنَّ الصَّلَاحَ قَدْ يَظْهَرُ قَبْلَ النَّبُوءَةِ فَيَكُونُ كَالْتَأْسِيسِ لِلنَّبُوءَةِ.

وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «وَإِنَّمَا يَنْسِفَنَّكَ الشَّيْطَانُ»، (الأنعام: ۶۸) لَا يَجُوزُ التَّنْسِيَانُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ فِيمَا يُوَدُّوهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى، فَأَمَّا سَوَى ذَلِكَ فَجَائِزٌ؛ وَإِذَا كَانُوا يَنَامُونَ وَيَعْشَى عَلَيْهِمْ. وَكُلُّ ذَلِكَ سَهْوٌ. فَغَيْرُ مُنْكَرٍ عَلَيْهِمُ التَّنْسِيَانُ؛ وَمَعْنَى الْآيَةِ: وَإِنْ نَسِيتَ التَّهَى عَنْ مُجَالَسَةِ الْخَائِضِينَ فِي الْآيَاتِ بِالتَّكْذِيبِ، ثُمَّ تَذَكَّرْتَ، فَقُمْ فِي الْحَالِ؛ وَنَسَبَهُ ذَلِكَ إِلَى الشَّيْطَانِ لِأَنَّهُ يُوَسْوِسُ وَعَقِيبَ التَّوَسُّوسَةِ يَقَعُ السَّهْوُ فَكَأَنَّهُ مِنْ فِعْلِهِ وَالْفِعْلُ يَصَافُ إِلَى فَاعِلٍ سَبَبِهِ.

«قَالَ» موسى «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» (القصص: ۱۷) مِنَ الْمُحَافَظَةِ «فَلَنْ» أَلْ أَحَالِظُ آلَ فِرْعَوْنَ بَعْدَ ذَلِكَ؛

نتوان کردن، و آن هر کجاست که می‌گوید: يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ... یعنی آن لطف خاص است با مؤمنان خواهد که کند، چه با کافران نشاید کردن، که ایشان را لطف نباشد. «سپاسگزارم از دوست دانشمند، حمید عطائی نظری که نکته‌های این پانویس را به من یادآوری کرد.

وَالظَّهِيْرُ: الْمُعِيْنُ، وَفِي قَوْلِهِ: «بِمَا أُنْعَمْتَ عَلَيَّ» مَعْنَى الشَّرْطِ فَلِذَلِكَ جَاءَتْ الْفَاءُ فِي جَوَابِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَنْ أَكُونَ»، وَالتَّقْدِيْرُ: إِنْ أُنْعَمْتَ، وَقِيْلَ: إِنْ الْبَاءُ قَسَمٌ؛ أَيْ: أُقْسِمُ بِنِعْمَتِكَ أَنْ لَا أَكُونَ ظَهِيْرًا لِلْمُجْرِمِيْنَ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مُوسَى قَدْ تَرَكَ مَا هُوَ الْأُوْلَى فِي قِتْلِ الْقَبِيْطِيِّ فَلِذَلِكَ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِيْ، يَقُوْلُ: إِنِّي قَوِيْتُ نَفْسِي الثَّوَابِ فِي تَأْخِيْرِ قِتْلِهِ لِأَنَّهُ كَانَ مَأْمُورًا بِقِتْلِهِ لِكَيْتَهُ فِيمَا بَعْدَ، فَلَمَّا قَتَلَهُ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذَلِكَ، وَعِنْدَ مَنْ يَجُوزُ الصَّغَائِرَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَكُونُ قِتْلُهُ صَغِيْرَةً.

«وَاسْتَعْفُزْ لِدَنبِكَ» (غافر: ۵۵)، أَيْ لِدُنُوبِ أُمَّتِكَ فَحُذِفَ الْمُصَافُ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ أَمْرًا بِالْإِنْقِطَاعِ لِأَنَّ الْخِطَابَ لِلنَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالْإِسْتِعْفَارُ مِنَ الْمَعْصُومِ يَكُونُ بِمَعْنَى الْإِنْقِطَاعِ.

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيْمُ»، (الأنعام: ۷۴) لَا يَخْتَلِفُ التَّسَابُوتُ أَنَّ أَبَا إِبْرَاهِيْمَ إِسْمُهُ تَارِيْحٌ وَقِيْلَ: أَرَزَّ إِسْمُ ذَمٍّ وَقِيْلَ: عَنَى بِأَبِيهِ عَمَّهُ، لِأَنَّ الْعَمَّ أَبٌ وَهَذَا هُوَ الصَّوَابُ لِأَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُوْلُ: نَقَلْنِي اللهُ مِنْ أَصْلَابِ الظَّاهِرِيْنَ إِلَى أَرْحَامِ الظَّاهِرَاتِ وَلَمْ يَدْتَسِنِي بِدَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ.

«لِيُغْفِرَ لَكَ اللهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ»، (الفتح: ۲) أَيْ: لِيُغْفِرَ لَكَ اللهُ ذُنُوبَ أُمَّتِكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَهَذَا كَمَا قَالَ: «وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ»، (يوسف: ۸۲) وَاللَّامُ مَعْنَاهُ فَتَحْنَا لَكَ لِتَشْكُرَ اللهُ تَعَالَى وَتُسَبِّحَهُ فَيُغْفِرَ لَأُمَّتِكَ وَيَتِمَّ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ وَيَهْدِيَهُمْ وَيُنْصِرُهُمْ.

«فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ»، (هود: ۱۲) الْخِطَابُ لِلنَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلَيْسَ الْمَعْنَى عَلَى أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَيْمًا لَا يَبْلُغُهُمْ بَعْضُ مَا أَمْرٌ بِإِبْلَاغِهِ، بَلِ الْكَلَامُ وَارِدٌ مَوْرِدَ التَّنْهَى بِاسْتِعْمَالِ كَلِمَةِ لَعَلَّ كَمَا يَقُوْلُ الرَّجُلُ لِعَبِيْرِهِ وَقَدْ أَمَرَهُ بِشَيْءٍ: لَعَلَّكَ تُفْضِرُ، وَلَيْسَ الْمَعْنَى عَلَى أَنَّهُ يَشْكُ فِيهِ بَلْ هُوَ حَتَّى لَّهُ عَلَى أَنْ لَا يَقْضِرَ.

«عَبَسَ»، (عبس: ۱) قِيْلَ: إِنْ ابْنُ أُمَّ مَكْتُومٍ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ صَرِيْرًا يَرِيْدُ أَنْ يَتَعَلَّمَ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنَاجِي بَعْضَ صَنَادِيْدِ قُرَيْشٍ وَيَرْعِيْهِمْ فِي الْإِسْلَامِ، فَأَعْرَضَ عَنِ ابْنِ أُمَّ مَكْتُومٍ، فَعَاتَبَهُ اللهُ تَعَالَى، وَهَذَا فَاسِدٌ لِذِكْرِ الرَّسُولِ بِالْعُبُوسِ وَالتَّوَلَّى وَالْإِعْرَاضِ، وَكَيْفَ وَيَقُوْلُ لَهُ: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيْمٍ»، (القلم: ۴) وَيَقُوْلُ: «وَلَوْ كُنْتُ فَظًّا؟» (آل عمران: ۱۵۹)

«فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا»، (الأنعام: ۷۶) ذُكِرَ أَنَّهُ رَأَى الرَّهْرَةَ، فَقَالَ «هَذَا رَبِّي» كَمَا يَقُوْلُ مَنْ يَقْدِرُ، وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ أَوَّلِ تَكْلِيْفِهِ، فَلَمَّا رَأَى الْكَوْكَبَ تَأْفَلُ وَتَغِيْبُ، قَالَ: «لَا أَحِبُّ الْأَقْلِيْنَ» لِأَنَّ الرَّبَّ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُزُولَ وَيَجِيءَ وَيَذْهَبَ، وَكَذَلِكَ فِي الْقَمَرِ وَالشَّمْسِ؛ فَلَمَّا تَيَقَّنَ، قَالَ: «إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ».

«وَائْتَلَّ عَلَيْهِمُ»، (الأعراف: ۱۷۵) ذُكِرَ أَنَّهُ عَامٌ لِجَمِيْعِ الْكُفَّارِ، وَذُكِرَ أَنَّهُ خَاصٌّ فِي أُمِيَّةِ بْنِ أَبِي الْفَضْلِ الثَّقَفِيِّ الَّذِي قِيْلَ فِيهِ: آمَنَ شِعْرُهُ وَكَفَرَ قَلْبُهُ، لِأَنَّ شِعْرَهُ كُلَّهُ تُوْحِيْدٌ وَرُهْدٌ، وَكَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ يَبِيْرُ النَّاسِ بِأَنَّهُ سَبِيْعَتُ نَبِيٍّ مِنَ الْعَرَبِ، فَلَمَّا بَعَثَهُ اللهُ تَعَالَى حَسَدَهُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِهِ؛ وَمَا يَذْكُرُ أَنَّهُ فِي بَلْعَمِ بْنِ بَاعُورَاءَ وَأَنَّهُ نَبِيٌّ أَنْسَلَخَ مِنَ النَّبُوَّةِ هُوَ حَشَوُ، لِأَنَّ النَّبِيَّ لَا يَنْسَلِخُ مِنَ النَّبُوَّةِ، وَحَاشَاةٌ مِنْ ذَلِكَ، وَلَمْ يَنْسَلِخْ.

قصه غرانیق

با مرور موارد بالا اکنون شگفت می‌نماید که مفسر ما داستان غرانیق را هنگام تفسیر آیه ۲۱ سوره نجم ذکر می‌کند، اما هیچ نقد و ردی بر آن نمی‌نویسد. این از شگفتی‌های تفسیر شیعه است که پیش‌تر نیز در اوایل سده پنجم هجری در المصباح فی تفسیر القرآن تألیف وزیر مغربی متوفای ۴۱۸ ق روی داده است.^{۲۹} عبارت راوندی در تفسیر آیه ۲۱ سوره نجم چنین است:

قِيلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقْرَأُ «وَالنَّجْمِ» وَأَهْلُ مَكَّةَ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْهِ، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَلَيْسَ الَّذِكْرُ لَكُمْ أَذْكَرُ لَكُمْ»، فَكَانَ يَنْبَغِي أَنْ يَقُولَ: «تِلْكَ إِذَا فِئِمَّةٌ ضَيْرِي» فَجَاءَ إِبْلِيسُ وَأَلْقَى عَلَى لِسَانِهِ فِي أُمْنِيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تِلْكَ الْغَرَائِيقُ الْعُلَى وَشَفَاعَتُهُمْ تُرْجَى، فَلَمَّا جَرَى الْقَوْلُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَمِعَهُ أَهْلُ مَكَّةَ سَجَدُوا عَنْ آخِرِهِمْ إِلَّا الْوَلِيدَ بْنَ مُعِيْرَةَ فَإِنَّهُ كَانَ شَيْخًا لَا يَقْدِرُ عَلَى السُّجُودِ فَأَخَذَ قَلِيلًا مِنَ الثَّرَابِ وَوَضَعَهُ عَلَى جَبِينِهِ، فَشَاعَ الْخَبْرُ فِي الدُّنْيَا أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ أَخَذُوا دِينَ مُحَمَّدٍ، وَرَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى بَيْتِهِ حَزِينًا خَائِفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، وَتَرَكَ قِرَاءَةَ هَذِهِ السُّورَةِ وَجَلَسَ فِي الْبَيْتِ يَنْتَظِرُ الْوَحْيَ وَقَبُولَ الْعُدْرِ، فَجَاءَ جِبْرِيْلُ بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ»، (الحج: ۵۲) فَفَرَحَ الرَّسُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ.

شگفتی این عبارات هنگام مقایسه با سایر تفاسیر شیعه در قرن ششم هجری چون مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۱۴۴-۱۴۶، ذیل الحج، ۵۲، وروض الجنان، ابوالفتح رازی، ج ۱۳، ص ۳۴۴-۳۴۷ بیشتر می‌شود.

علم الهی

موضوع حدوث علم الهی نیز از مواردی است که مفسران در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم درباره آن اختلاف نظر دارند. روشن است که عموم شیعیان و معتزله این امر را درباره ذات خداوند نمی‌پذیرند. بنابراین مفسر ما می‌کوشد آیاتی را با تعبیری چون «عَلِمَ اللَّهُ» و «لِيَعْلَمَ اللَّهُ» که سخن از عالم شدن خداوند در حوادث عادی می‌گویند، به نحوی تفسیر کند که معنای حدوث در علم الهی ندهد.^{۳۰} نمونه‌های زیر از این دست تفاسیر است:

«وَلِيَتَلَى اللَّهُ»، (آل عمران: ۱۵۴) اللَّامُ بِمَعْنَى كَيْ، أَيْ: لِيَعْلَمَ التَّبِيُّ مَا يَعْلَمُهُ اللَّهُ مِنْ نِيَاتِهِمْ فَيَعْظُمُهُمْ

۲۹. عبارت وزیر مغربی در تفسیر آیه «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ» (الإسراء: ۷۳) چنین است: «كَانُوا سَأَلُوهُ الْكَفَّ عَنْ سُنْمِهِمْ وَشَمَّ آلِهِمْ وَذَمَّهَا، فَلَوْ قِيلَ، لَكَانَتْ فِتْنَةٌ يَبْلُغُونَ بِهَا غَرَضَهُمْ، إِلَّا أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَقْبَلْ... وَرَوَى الْوَأَقِدِيُّ وَغَيْرُهُ: أَنَّ إِبْلِيسَ تَلَا عِنْدَ الْكَعْبَةِ سُورَةَ النَّجْمِ وَزَادَ فِيهَا «تِلْكَ الْغَرَائِيقُ الْعُلَى، وَأَنَّ سَمَاعَتَهُمْ لَتُرْجَى»، فَسَرَتْ فَرِيضَ بِأَذْلِكَ، وَجَاءَ وَالِإِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَشْرُورِينَ، وَزَادُوا بِكَثْرَةِ مَا رَدُّوهُ مِنْ الْقَوْلِ إِيَّاهُمْ أَنَّ الْكَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَصَمَهُ اللَّهُ. فَبَلَكَ الْفِتْنَةُ الَّتِي أَرَادُوهَا بِهِ». (المصباح فی تفسیر القرآن، نسخه مکتبه الأهرية، ش ۹۲۹۱۷، برگ ۲۱۹ ب).

۳۰. برای یک نمونه دیگر از عملکرد مترجمی معتزلی به نام ابوالفخر زعفرانی هنگام ترجمه قرآن به فارسی در سده ششم هجری رک به: مرتضی کربمی‌نیا، «قرآن مترجم زعفرانی مویخ ۵۴۶ هجری درری: کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ دار و حاوی ترجمه فارسی»، ترجمان وحی مبین، سال ۲۳، ش ۲، شماره پیاپی ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

عَلَى قَدَرِ نِيَاتِهِمْ.

«وَلْيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ»، (آل عمران: ۱۶۶) آی: لِيَعْلَمَ اللَّهُ تَعَالَى الْمُؤْمِنِينَ عِنْدَ وُجُودِ مَا يَخْدُثُ مِنْهُمْ وَيَعْلَمَ الْمُتَأَفِّقِينَ، وَقِيلَ: لِيَعْلَمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

«فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا»، (العنكبوت: ۳) آی: لِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ وَفُوعَ مَا كَانَ يَعْلَمُهُ مِنْ صِدْقِهِمْ وَكَذِبِهِمْ.

اما از همه جالب تر جایی است که راوندی دست به تبیینی فلسفی می زند و همانند متکلمان فیلسوف متأخر در رفع این شبهه می کوشد:

«وَلَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ»، (آل عمران: ۱۴۲) آی: لَمَّا يَعْلَمَ جِهَادَكُمْ مَوْجُودًا لِأَنَّ الْعِلْمَ بِالشَّيْءِ يَكُونُ كَمَا هُوَ بِهِ، فَالْعِلْمُ بِالْمَعْدُومِ عِلْمٌ بِأَنَّهُ مَعْدُومٌ، وَالْعِلْمُ بِالْمَوْجُودِ مِنْ حَيْثُ هُوَ مَوْجُودٌ. عِلْمٌ بِأَنَّهُ مَوْجُودٌ.^{۳۱}

بداء

توضیحات مفسر در دو موضع از تفسیرش نشان می دهد وی با بداء موافق نیست و آن را درباره خداوند جایز نمی داند. مقایسه این عبارات با نمونه های مشابه در مجمع البیان (ج ۱، ص ۲۳۸؛ ج ۴، ص ۲۸) نشان می دهد که این دسته از مفسران شیعه بداء به معنای لغوی آن را درباره خداوند جایز نمی دانند؛ چون این امر مستلزم جهل است.

«لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ»، (یونس: ۶۴) آی: لَا تُغَيِّرْ لِقَوْلِهِ كَمَا قَالَ تَعَالَى: «مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ» (ق: ۲۹) أَنَّهُ لَا يَجُوزُ عَلَيْهِ الْبَدَاءُ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الْمَعْنَى لَا يُمْكِنُ أَحَدًا تَبْدِيلُ كَلِمَاتِ اللَّهِ.

«وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ»، (النحل: ۱۰۱) آی: نَسَخْنَا آيَةً عَلَى مَا افْتَضَتْ الْحَالُ وَبَدَلْنَاهَا بِأُخْرَى، ... آی: صَيَّرْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ، قَالُوا: يَا مُحَمَّدٌ إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ كَاذِبٌ لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمَّا نُسِخَ لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ عَلَيْهِ الْبَدَاءُ، وَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ رَبَّمَا تَغَيَّرَتِ الْمُضْلِحَةُ فَافْتَضَتْ النَّسْخَ.

در مقابل، نمونه زیر نشان می دهد که وی ظاهراً «بداء» به معنای اصطلاحی در کلام شیعه را می پذیرد: وَلَوْ أَنَّهُمْ «آمَنُوا وَاتَّقَوْا»، (الأنعام: ۹۶) لَبَارَكْنَا عَلَيْهِمْ؛ وَفِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَإِنْ سَبَقَ قَضَاؤُهُ وَعِلْمُهُ لِقَوْمٍ بِالْهَلَاكِ، فَإِنَّهُمْ إِذَا صَلَحُوا بَدَلَهُمُ اللَّهُ بِالْهَلَاكِ الْخَيْرِ، وَيَكُونُ عِلْمُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَنَّهُمْ إِنْ صَلَحُوا، رَدَّ عَنْهُمْ الْهَلَاكَ.

نفی تجسیم الهی

روشن است که مفسر متکلم شیعی هر گونه تجسیم و شبهه آن را از ذات خدا نفی می کند. راوندی هم

۳۱. از نظر من چنین زبان فیلسوفانه ای احتمالاً ناشی از انس مفسر با نهج البلاغه است. دو نمونه دیگر از جملات وی که اصطلاح استدلال فلسفی در آنها به چشم می خورد اینهاست: (الف) وَقِيلَ: إِنَّ الظَّلْمَةَ لَيْسَتْ بِذَاتٍ، إِنَّمَا هِيَ عِبَارَةٌ عَنْ فَقْدَانِ الثَّوَرِ ب) «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»، وَفِي الآيَةِ اسْتِدْلَالٌ عَلَى أَنَّ الْجَنَّةَ مَوْجُودَةٌ لِأَنَّهُ لَا يُقَالُ لِلْمَعْدُومِ مُعَدَّةً، وَقُضِيَ الْجَنَّةَ مُعَدَّةً.

دستان خداوند را به نعمت او، چشم خدا را به محافظت الهی، استوای بر عرش را به آفرینش عرش، آمدن خدا در روز قیامت را به ظهور آیات او و نظریه سوی او را به معنای انتظار ثواب الهی تفسیر و تأویل می‌کند.

قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ»، (المائدة: ۶۴) أَى: نَسْبُوهُ إِلَى الْبُخْلِ؛ وَذَلِكَ لَجَدْبِ حَلِّ بِهِمْ، ثُمَّ دَعَا عَلَيْهِمْ، فَقَالَ: «عُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا» «بَلْ يَدَاهُ» أَى: نِعْمَتُهُ، وَالتَّثْنِيَةُ لِتَحْقِيقِهَا كَقَوْلِكَ: لَبِيكَ وَسَعْدِيكَ.

«يَاغَيْنَانَا»: (هود: ۳۷) بِحِفْظِنَا لَكَ وَوَلَهُ وَبِمُرَاعَاتِنَا.

«ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ»، (الرعد: ۲) أَى: خَلَقَ السَّمَوَاتِ ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ، قِيلَ: الْعَرْشُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَاسْتَوَى، أَى: اسْتَوَى، فَلَمْ يَكُنْ لَهُ مُعَالِبٌ وَلَا مُنَازِعٌ، وَقِيلَ: اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ: عَادَ بِقُدْرَتِهِ. وَقَالَ أَهْلُ السُّنَّةِ: الْإِسْتِوَاءُ مَعْلُومٌ، وَالْكَيفِيَّةُ مَجْهُولَةٌ، وَالْإِيمَانُ بِهِ وَاجِبٌ، وَالسُّؤَالُ عَنْهُ بِدَعَا، هَذَا قَوْلُ الْعُلَمَاءِ مِنْهُمْ. وَقَالَ الْآخَرُونَ: اسْتَوَى: جَلَسَ وَاسْتَقَرَّ، وَهَذَا نُعُودٌ بِاللَّهِ مِنْهُ.

«إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»، (القيامة: ۲۳) أَى: يَنْتَظِرُونَ ثَوَابَ اللَّهِ، وَهَذَا فِي كَلَامِ الْعَرَبِ مَعْرُوفٌ، يَقُولُ الْقَائِلُ: إِنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكَ أَى: أَنْتَظِرُ مَعْرُوفَكَ.

«وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»، (الفجر: ۲۲) أَى: ظَهَرَتْ دَلَائِلُ آيَاتِهِ وَصَفَّتِ الْمَلَائِكَةُ.

نفی رویت الهی

این موضوع نیز همواره از مواضع مهم اختلاف میان مفسران و متکلمان اهل سنت، معتزله و شیعیان بوده است. روشن است که مفسر ما در این موضوع هرگونه معنای نظری و رویت عینی به خداوند را منتفی می‌شمارد.

وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «فَإِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي»، (الأعراف: ۱۴۳) تَعْلِيْقٌ لِلرُّؤْيَةِ بِمَا عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ.

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ»، (یونس: ۲۶) رَوَى عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ قَالَ: الزِّيَادَةُ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ. وَرَوَى مِثْلَهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ. وَقَالَ الْآخَرُونَ: زِيَادَةٌ عَلَى الْحُسْنَى، أَى: هِيَ بَعِشْرَةٌ أَمْثَالُهَا؛ وَقِيلَ: الْحُسْنَى: الْحِجَّةُ، وَالزِّيَادَةُ أَنْ لَا يَحَاسِبُهُمْ عَلَى مَا أَعْطَاهُمْ فِي الدُّنْيَا. وَرَوَى مِثْلُ هَذَا عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ السَّيِّدُ الْإِمَامُ رَحِمَهُ اللَّهُ: لَوْ كَانَ «الزِّيَادَةُ» النَّظَرُ وَالرُّؤْيَةُ كَمَا يَقُولُ الْقَوْمُ، لَمَا صَحَّ أَنْ يَسْمَى النَّظَرُ زِيَادَةً، لِأَنَّ الزِّيَادَةَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ نَاقِصَةً عَنِ الْأَصْلِ كَمَا تَقُولُ عَشْرَةٌ وَزِيَادَةٌ وَعِشْرُونَ وَزِيَادَةٌ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ الرُّؤْيَةَ لَوْ كَانَتْ، لَكَانَتْ جُزْءَ شَيْءٍ فَكَيْفَ يَجُوزُ أَنْ تُصِيرَ عِلَاقَةً لِلْحُسْنَى؟ فَعَلِمَ بِذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَعْْنِي بِهِ الرُّؤْيَةُ، فَإِنَّمَا يَعْْنِي بِهِ زِيَادَةُ الْإِحْسَانِ.



▲ تصویر ۷: آغاز سوره‌های فاتحه و بقره در نسخه
مجلس شورای اسلامی



▲ تصویر ۸: انجامه نسخه مجلس شورای اسلامی (کتابت محمد بن جعفر بن بنجیر در رجب ۵۸۳ هجری)

کاتب نسخه

انجامه پایانی نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس که در انتهای متن قرآن آمده چنین است:

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اتَّفَقَ الْفَرَاغُ مِنْ كِتَابَةِ هَذَا الْمُصْحَفِ الْمَجِيدِ عَشِيَّةَ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ النَّامِنِ مِنْ شَهْرِ اللهِ الْأَصْبَحِ رَجَبِ عَظَمَ اللهُ بَرَكَتَهُ، مِنْ شُهُورِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَثَمَانِينَ وَخَمْسِ مِائَةٍ هَجْرِيَّةٍ، عَلَى يَدَيِ أَصْعَفِ عِبَادِ اللهِ الْمُحْتَاجِ إِلَى رَحْمَتِهِ: مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ بَنْجِيرِ أَمَنَهُ اللهُ مِنَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ وَعَفَرَ ذُنُوبَهُ وَلَوْلَا لَدِيهِ وَلِمَنْ نَظَرَ فِيهِ وَدَعَا لَهُ بِالْحَيْرِ، وَلِمَنْ قَالَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (تصویر شماره ۸)

از محمد بن جعفر بن بنجیر کاتب نسخه قرآن و تفسیر اطلاعی در دست نیست. این نام بر اساس اطلاعات موجود در منابع میراث اسلامی در جایی ذکر نشده است. با این همه در نسخه ای از کتاب الصحاح جوهری (کتابخانه نور عثمانیه، به شماره ۴۷۶۹ به خط شیرزاد بن ابی عبدالله بن علی الاسدی الجاسستی، دو جلد در تاریخ های ۶۰۵ و ۶۰۷ هجری) که از قضا بر مبنای نسخه ای که به ابوالرضا راوندی قرائت شده کتابت شده،^{۳۲} از فردی به نام جعفر بن بنجیر قمی یاد شده است که به احتمال زیاد پدر همین فرد (محمد بن جعفر بن بنجیر، کاتب نسخه ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس) است.^{۳۳} عبارت کاتب صحاح چنین است:

وجدت هذه الآيات على ظهر كتاب الصحاح للشيخ الامام المفيد موفق الدين ابى عبدالله جعفر بن بنجير القمي منسوبة إلى السيد الامام السعيد ضياء الدين تاج الاسلام سلطان العلماء علم الهدى ابى الرضا فضل الله بن على بن عبدالله الحسنى الراوندى قدس الله روحه ويزد مضجعه إنه قد كتبه على ظهر نسخه ...

السيد الامام

یک نشانه دیگر ما را به ابوالرضا راوندی و الکافی فی التفسیر او نزدیک ترمی کند. در برخی از حواشی، هم در نسخه آستان قدس و هم در نسخه مجلس شورای اسلامی تعبیر «السید الامام» آمده است. این لقبی است که در قرن ششم تنها و تنها بر ضیاء الدین ابوالرضا سید فضل الله بن علی الراوندی اطلاق می شده است. در نسخه های فراوانی که راوندی خود با متون کهن ترمقابله کرده یا به شاگردانش اجازه روایت داده، این تعبیر مکرر ذکر شده است.^{۳۴} یکی از مهم ترین آنها امالی سید مرتضی (در دو نسخه کتابخانه اسکوریال مادرید، به شماره ۱۴۵ و کتابخانه فیض الله افندی استانبول، به شماره ۱۶۷۸) است که مبنای تحقیق و چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم (قاهره، ۱۹۵۴) بوده است. وی تمام حواشی

۳۲. قولی صحیح بالأصل فیصح إن شاء الله وانتسخت من نسخة مقروءة على السعيد ضياء الدين أبى الرضا قدس الله روحه.

۳۳. از دوست گرامی ام رسول جزینی سپاسگزارم که این یادداشت در نسخه صحاح را به من یادآوری کرد.

۳۴. فی المثل تعبیر «السید الامام دام ظلّه / دامت آیامه» در صفحات متعددی از الحماسة ذات الحواشی به کار رفته است. مثلاً: ج ۱، ص ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۴۱، ۱۵۷، ۲۰۲.

راوندی در این نسخه ها را در پانویس های چاپ خود ذکر کرده است، اما گاه در این حواشی تعبیر «السید الامام» آمده که صراحت بیشتری بر اووندی دارد.^{۳۵} در نسخه ما (کتابخانه مجلس، ش ۴۱۲۹) نیز کاتب ذیل تفسیر آیه یونس، ۲۶ می نویسد:

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ» (یونس: ۲۶) زَوَىٰ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ قَالَ: الزِّيَادَةُ: النَّظَرُ إِلَىٰ وَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ. وَزَوَىٰ مِثْلُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ. وَقَالَ الْأَخْرُون: زِيَادَةٌ عَلَى الْحُسْنَىٰ، أَيْ: هِيَ بَعَشْرَةٌ أَمْثَالَهَا؛ وَقِيلَ: الْحُسْنَىٰ: الْجَنَّةُ، وَالزِّيَادَةُ أَنْ لَا يَحَاسِبُهُمْ عَلَىٰ مَا أَعْطَاهُمْ فِي الدُّنْيَا. وَزَوَىٰ مِثْلَ هَذَا عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ السَّيِّدُ الْإِمَامُ رَحِمَهُ اللَّهُ: لَوْ كَانَ «الزِّيَادَةُ» النَّظَرُ وَالرُّؤْيَا كَمَا يَقُولُ الْقَوْمُ، لَمَا صَحَّ أَنْ يَسْمَى النَّظَرُ زِيَادَةً، لِأَنَّ الزِّيَادَةَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ نَاقِصَةً عَنِ الْأَصْلِ كَمَا تَقُولُ عَشْرَةٌ وَزِيَادَةٌ وَعِشْرُونَ وَزِيَادَةٌ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ الرُّؤْيَا لَوْ كَانَتْ، لَكَانَتْ جُزْءَ شَيْءٍ فَكَيْفَ يَجُوزُ أَنْ تُصَيِّرَ عِلَاقَةً لِلْحُسْنَىٰ؟ فَعَلِمَ بِذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيَا، فَإِنَّمَا يَعْنِي بِهِ زِيَادَةَ الْإِحْسَانِ.

همچنین در نسخه آستان قدس، در حاشیه آیه «قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (البقرة: ۹۳) آمده است:

كَتَبَ السَّيِّدُ الْإِمَامُ ضِيَاءُ الدِّينِ أَبُو الرِّضَا الرَّائِدِيُّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ «بِئْسَمَا» هَاهُنَا مُتَّصِلًا.

این عبارت اخیر که نام کامل راوندی در آن آمده است، هرگونه ابهام را درباره تعبیر «السید الامام» از میان می برد. چنین نمونه هایی که از قضا در هر دو نسخه از این تفسیر (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۱۲۹ و کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۵۴۹۸) تکرار شده اند، تأیید محکم تری است بر انتساب این حواشی تفسیری به السید الامام ابوالرضا فضل الله راوندی.

اسلوب تفسیر در نسخه ۴۱۲۹ بسیار مشابه با سایر آثار ابوالرضا راوندی است. وی همچنان که بر نهج البلاغه،^{۳۶} امالی سید مرتضی و مانند آن حواشی و تعلیقات کوتاه و بلند می نویسد، درباره قرآن

۳۵. مثلاً: «قال السيد الإمام عليه السلام: طلبت هذا البيت في شعر الحطينة فلم أجده فيه» (أمالی، ج ۱، ص ۴۹)؛ «قال السيد الإمام ضياء الدين: وفي رواية أخرى أن رجلا أتى رسول الله صلى الله عليه وآله، فأسلم ثم قال: أنا أواخذ من الذنوب بما ظهر، وأنا أستسبر بخلال أربع الزنا والسرقه وشرب الخمر والكذب؛ فأبتهن أحببت تركت، قال: دع الكذب؛ فلما تولى من عند النبي صلى الله عليه وآله هم بالزنا؛ فقال: يسألني رسول الله صلى الله عليه وآله، فإن جحدت تقضت ما جعلت، وإن أقررت حدثت، ثم هم بالسرقه ثم يشرب الخمر؛ فتفكر في مثل ذلك، فرجع إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، فقال: يا رسول الله، تركتهن أجمع. قال السيد: إنما كتبت هذه الرواية هاهنا؛ لأن هذه مفضلة، وتلك مجتملة، ولأني رأيت السيد غير محقق فيما أورده» (أمالی، ج ۱، ص ۷۶)؛ «قال مولانا السيد: خارجا، تقديره: ولا يخرج خروجا؛ وذهب عيسى بن عمر إلى أنه في موضع الحال». (أمالی، ج ۱، ص ۶۴)

۳۶. با آنکه شرح وی بر نهج البلاغه اکنون باقی نمانده است، اما آقابزرگ طهرانی (الذريعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳) به درستی حدس می زند که این اثر در واقع کتابت نسخه ای از نهج البلاغه از روی خط سید رضی همراه حواشی توضیحی ابوالرضا راوندی بوده است. این احتمال بعید نیست که نهج البلاغه، کتابت ابن نازویه قمی (موزه ملی عراق، ش ۳۷۸۴، کتابت سال ۵۵۶) که در سال ۵۷۱ هجری در شهر کاشان با نسخه ابوالرضا راوندی مقابله و براقرات شده است، در واقع با همان نسخه محشای وی مقابله شده باشد. خوشبختانه این نسخه از نهج البلاغه، کتابت ابن نازویه قمی (موزه ملی عراق، ش ۳۷۸۴، کتابت سال ۵۵۶) اکنون چاپ عکسی شده است: العرف الوردی، فیما يتعلق بنسخة السيد الراوندي، اعداد وتقديم: السيد حسن الموسوي البروجردي، نجف و قم: دار التراث و مكتبة العلامة المجلسي، ۱۴۳۴ ق / ۲۰۱۳ م.

نیز چنین شیوه‌ای به کار گرفته است. شمار زیادی از حواشی تفسیری در این اثر تنها حاوی یک یا دو کلمه برای روشن کردن معنای یک کلمه قرآنی است و این توضیحات گاه با قلم ریز در میان سطور قرآن گنجانده شده است. این دقیقاً شیوه‌ای است که ابوالرضا راوندی در حاشیه نویسی بر متون مهم ادبی و دینی به کار برده است. همچنین به کارگیری مکرر تعبیر «عندنا» در این حواشی تفسیری نشان می‌دهد که مفسر نمی‌تواند فردی عادی باشد، بلکه به احتمال زیاد در طبقه استادان و عالمان شهره در زمان خود بوده است.

پیش‌تر آوردیم که مفسر ما در سراسر این اثر نام هیچ یک از مفسران شیعه کهن یا معاصر خود در قرن ششم را ذکر نمی‌کند. تنها مورد استثنا جایی است که وی نکته‌ای نحوی را از یکی از استادانش با کنیه «ابوالحسن» ذکر می‌کند. در تفسیر آیه «وَمَا تَزِدْهُ» (رعد: ۸) می‌نویسد:

أَيُّ تَزِدُّهُ وَتَزِيدُهُ وَتَنِمِيهِ، وَازْدَادَ افْتَعَلَ مِنَ الزِّيَادَةِ وَهُوَ مَتَعَدٍّ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَأَزْدَادُوا تِسْعًا» (كهف، ۲۵) كَانَ شَيْخَنَا أَبُو الْحَسَنِ يَقُولُ: إِنَّهُ مَفْعُولٌ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَتَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ». (یوسف: ۶۵)

مراد از این فرد که یقیناً در طبقه مشایخ و استادان ابوالرضا راوندی قرار داشته احتمالاً یکی از دو فرد زیر است:

الف) ابوالحسن علی الدهخده بن العلامة نجیب‌الدین یحیی بن عبدالله بن محمد بن یحیی الراوندی که ابوالرضا راوندی «مناجات مولانا امیرالمؤمنین»، مشهور به المناجات الهیات را از وی روایت کرده است.^{۳۷}

ب) ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی نیشابوری سبزواری^{۳۸} که از مشایخ قطب‌الدین راوندی، ابن شهر آشوب و عمادالدین طبری آملی نیز بوده است.^{۳۹}

بنابر وقف‌نامه‌ای که بر روی چندین نسخه از قرآنی سی‌پاره (کتابخانه آستان قدس رضوی، جزوات قرآنی شماره ۳۱۹۵ تا ۳۲۰۲) ذکر شده، وی در شعبان ۵۴۰ هجری کاتب و شاهد وقف قرآن‌های شیخ علی بن الحسین المشرف النیشابوری بر حرم امام رضا (علیه السلام) بوده است.^{۴۰} از یادداشت انتهایی نسخه‌ای از نهج البلاغه (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۶۲۴، مورخ ۷۱۸ هجری)

۳۷. مرعشی نجفی، لمعه، ص ۱۷.

۳۸. همان، ص ۲۲؛ طباطبایی، ص ۱۶۶.

۳۹. گویا نام این فرد در اثر آیت‌الله مرعشی نجفی (ص ۲۲) و نیز در مقاله استاد سید عبدالعزیز طباطبایی (ص ۱۶۶) به صورت ناقص ذکر شده است. درباره وی که مؤلف ذخیره‌الآخرة کتابی در دعا با شرح اعمال به زبان فارسی است، نگاه کنید به مقاله «سبزواری، علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی»، نوشته سید محمد عمادی حائری، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۲، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ص ۷۲۶-۷۳۰، ۱۳۹۶.

۴۰. بخش‌هایی دیگر از این قرآن سی جزوی با خروج از ایران، اکنون در برخی از کتابخانه‌های جهان (مثل کتابخانه چستربیتی، ش 1419 Is و کتابخانه کنگره، ش 1-93-154-179 و موزه هنرهای زیبا، بوستون، شماره‌های 24.413 و 20.1621) نگهداری می‌شوند یا در برخی از حراج‌های لندن به فروش رفته‌اند: برای مثال در حراج بُنهامز، ۲۹ آوریل ۲۰۰۴، کالای ش ۵۵ و حراج ساتبیز، ۳۰ آوریل ۲۰۰۳، کالای ش ۱.

چنین برمی آید که کاتب (محمد بن علی بن بی علی البلخی) آن را با نسخه ای از نهج البلاغه، کتابت علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی مقابله کرده است.^{۴۱}

منفردات مفسر

در هر تفسیرگاه مفسر به برخی از نکات زمان و مکان خود اشاره می کند که آنها را در سایر تفاسیر قبلی نمی یابیم. این امور منفرد و گاه غریب می توانند بسیار متنوع باشند. نمونه های فراوان از این گزارش ها را وزیر مغربی در المصابیح فی تفسیر القرآن ذکر کرده که برخی از آنها صرفاً متکی بر مشاهدات خاص خود او در ایام اقامت در مصر (سال های ۳۸۱ تا ۴۰۰ هجری) است. در نسخه کنونی هم از این دست اشارات می یابیم که در اینجا تنها به سه نمونه اشاره می کنم.

الف) در تفسیر آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ» (توبه: ۳۰) مفسر پس از شرح گزارشی معروف راجع به ازدست رفتن تورات و وحی مجدد تورات از جانب خداوند به عزیر و تدوین مجدد تورات می نویسد: بنا به نقل، این نسخه از تورات اکنون در کنیسه یهودیان در اصفهان است.

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا حَزَفَ الْيَهُودُ وَبَدَّلُوا، مُجِيبَ التَّوْرَةِ مِنْ صُدُورِهِمْ فَكَانَ عُزَيْرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَضَرَّعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَأَمَلَى عَلَيْهِمُ التَّوْرَةَ وَكَتَبَهَا بِحُطَّهِ، وَهُمْ يَذْكُرُونَ أَنَّهَا بَاقِيَةٌ بِاصْبَهَانَ فِي كَنِيسَةٍ لَهُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

ب) در تفسیر آیه «فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ» (یونس: ۷۳) پس از ذکر هلاک قوم نوح و تسمیه نوح (علیه السلام) به آدم ثانی می نویسد: به امام زین العابدین (علیه السلام) هم «آدم ثالث» می گویند؛ زیرا هیچ سید حسینی در جهان نیست، مگر آنکه از نسل ایشان است:

وَرَوَى أَنَّهُ كَانَ مَعَهُ ثَمَانُونَ رَجُلًا مِمَّنْ رَكِبُوا السَّفِينَةَ إِلَّا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْسُ أَصْلَابَهُمْ فَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ وَلَدٌ، وَالْعَرَضُ فِي ذَلِكَ إِعْرَازُ نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ يَكُونَ أَبَا الْخَلْقِ بَعْدَ آدَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَيُقَالُ لِنُوْحٍ: آدَمُ الثَّانِي، وَكَذَلِكَ يَسْمَى زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ آدَمَ الثَّلَاثِ، لِأَنَّهُ مَا مِنْ حُسَيْنِي إِلَّا مِنْ وُلْدِهِ، وَكَذَلِكَ لِأَنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا هُوَ.

ج) «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ» (الأنعام: ۱۵۹) قِيلَ:

هُمُ قَوْمٌ عَلَى دِينِ مُوسَى وَرَاءَ الرَّمْلِ الْجَارِي الَّذِي يَقَالُ لَهُ وَبِقَعْتِهِ سَنَبْطِيونَ، وَهُمْ بَعْدُ عَلَى تِلْكَ التَّحَلَّةِ، لِأَنَّهُمْ لَمْ تَصِلْ إِلَيْهِمُ الدَّعْوَةُ الْمُحَمَّدِيَّةُ.

این نام «سنبتیون» در هیچ مأخذی تا سده ششم هجری ذکر نشده است.

۴۱. «عارضت هذه النسخة بأصل بخط الشيخ الإمام أبي الفضائل علي بن محمد بن علي بن عبدالصمد التميمي... وهذا خط أضعف عبد الله محمد بن علي بن أبي علي البلخي».

بخش پنجم که بخش پایانی نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی است، ملحقاتی از علوم قرآنی دارد که برخی از آنها در تاریخ نگارش های قرآنی و تفسیری شیعه و سنی منحصر به فرد است. این ملحقات اغلب کارکرد راهنمای خوانش نسخه را دارند و به خواننده اطلاعاتی جزئی تر درباره متن قرآن می دهند. برخی متضمن نکات تجویدی، بعضی در باب قواعد کلی قرائات عشر و موارد دیگر درباره اسامی سوره ها، شمار آیات و ترتیب نزول آنهایند. فهرست این ملحقات و یادداشت های کوتاه و بلند از این قرار است:

مَعْرِفَةُ مَا فِي مَثْنِ الْقُرْآنِ وَعَلَامَاتِهِ عَلَى حُرُوفِ الْمُعْجَمِ
عَدَدُ سُورِ الْقُرْآنِ وَأَيَاتِهِ وَحُرُوفِهِ
قَائِلُونَ قِرَاءَاتِ الْقُرْآنِ الْعَشْرَةَ
بَابُ الْإِدْغَامِ
بَابُ الْهَمْزَةِ
بَابُ الْإِمَالَةِ وَالْتَفْحِيمِ
الْقِرَاءَاتُ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ
الْقِرَاءَاتُ فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ
بَابُ ذِكْرِ اخْتِلَافِ الْأَمْصَارِ فِي عَدَدِ آيِ السُّورِ
بَابُ تَرْتِيبِ سُورِ الْقُرْآنِ فِي الْإِنزَالِ
فِي كَيْفِيَّةِ جَمْعِ سُورِ الْقُرْآنِ
فَصْلٌ [فِي تَقْسِيمَاتِ الْقُرْآنِ]

نقد روایت رسمی در باب جمع قرآن

تقریباً تمام موارد فوق را میان سایر آثار علوم قرآنی به ویژه در نگاشته های اهل سنت می توان یافت، اما برخی از آنها در آثار شیعه و سنی تا قرن ششم هجری بدون سابقه است. از آن جمله مباحثی است که راوندی در نقد و ارزیابی روایت معروف اهل سنت در باب جمع قرآن ذکر کرده است. راوندی معتقد است که قرآن باید در زمان حیات پیامبر تدوین یافته باشد و چهار دلیل علیه روایت معروف «جمع قرآن در زمان ابوبکر به دست زید بن ثابت» اقامه می کند. دلایل وی تقریباً مشابه با ادله ای است که مرحوم آیت الله خوئی در مقدمه البیان فی تفسیر القرآن (ص ۲۳۹ به بعد) در رد دیدگاه رسمی و متداول اهل سنت درباره جمع و تدوین قرآن به دست زید بن ثابت آورده است. چنین دیدگاهی میان عالمان شیعه در قرن ششم و حتی پس از آن تا قرن ها بدون سابقه است. می توان این بخش کوتاه در پایان نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی را کهن ترین نقد روایات جمع قرآن از منظر دانشمندی شیعه دانست. به دلیل اهمیت بحث، متن کامل این برگه را در اینجا ذکر می کنم: (تصویرش ۹)

فِي كَيْفِيَّةِ جَمْعِ سُورِ الْقُرْآنِ: ذَكَرُوا أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ جَاءَ إِلَى أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَقَالَ لَهُ: إِنَّ الْقَثَل

قَدْ اسْتَحَرَّ بِأَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَحْتَلَّ أَمْرَ الْقُرْآنِ بِمَوْتِ بَعْضِ الْقُرَّاءِ أَوْ قَتْلِهِمْ، فَمُرَّزِيدٍ [بْنِ ثَابِتٍ] رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ مِنَ الْعُسْبِ وَالْأَكْتافِ وَالصُّحُفِ وَالْأَفْتَامِ وَالْأَخْرَافِ. قَالُوا: وَإِنَّمَا اخْتَصَّ زَيْدًا بِالذِّكْرِ مِنْ بَيْنِ الصَّحَابَةِ وَالْقُرَّاءِ لِأَنَّهُ كَانَ عَرَضَ الْقُرْآنِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّتَيْنِ، فَتُقْبَلُ ذَلِكَ عَلَى [عَنْ] زَيْدٍ. ثُمَّ إِنَّهُ لَمْ يَجِدْ بُدْأً مِنْ [...] وَالْإِتْسَامِ إِذَا أُمِرَ بِذَلِكَ، فَجَمَعَهُ مِنَ الْعُسْبِ وَالْأَكْتافِ وَالصُّحُفِ وَالْأَفْتَامِ وَالْأَخْرَافِ. وَهَذَا بَعِيدٌ لَوْجُوه:

أَحَدُهَا: إِنَّهُ إِنْ كَانَ [الْقُرْآنُ] عَلَى الْأَكْتافِ وَالْعُسْبِ وَالْأَخْرَافِ، فَكَيْفَ قَرَأَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ وَقَدْ أَجْمَعُوا أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَدْ حَتَمُوا الْقُرْآنَ قِرَاءَةً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَأَبِي بَنْ كَعْبٍ وَزَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ وَأَبِي [بَكْرٍ] وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَغَيْرِهِمْ مِنَ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ؛ فَلَيْتَ شِعْرِي! كَيْفَ قَرَأَهُ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَّفَرِّقٌ عَلَى الْأَقْتَابِ وَالْعُسْبِ وَالْأَخْرَافِ؟ وَقِرَاءَةُ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّتَيْنِ وَعَرَضُهُ عَلَيْهِ وَهُوَ مُتَّفَرِّقٌ عَلَى طَرَفَيْ نَقِيضٍ، بَلْ قِرَاءَةُ تَهُمُّ الْقُرْآنَ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَشْهَدُ بِأَنَّ الْقُرْآنَ كَانَ مَجْمُوعًا.

وَالثَّانِي: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»، [القيامة: ۱۷] وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». [الحجر: ۹]

وَالثَّلَاثُ: إِنَّهُ رُوِيَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ قَدْ اسْتَكْتَبَ مُصْحَفًا لِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا [...] تَقْرَأُ فِيهِ؛ فَهَذَا كُلُّهُ يُدَلُّ عَلَى أَنَّ الْقُرْآنَ كَانَ مَجْمُوعًا فِي حَيَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَالرَّابِعُ: إِنَّ الْقُرْآنَ دُسْتُورٌ يَرِيدُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [فِي حَيَاتِهِ، فَغَيْرُهُ] جَائِزٌ أَنْ يَهْمَلَ أَمْرَهُ وَيَتْرَكَهُ مُفَرَّقًا مُشْعَعًا غَيْرَ مَجْمُوعٍ، حَتَّى يَجْمَعَهُ زَيْدٌ وَعُمَرُ وَغَيْرُهُمَا. هَذَا مِمَّا لَا يَحِقُّ [لَنَا] [...] التَّشْلِيمُ؛ وَنِسْبَةُ التَّضْيِيعِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِكِتَابِ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْهِ - وَلَا يَزَالُ هُوَ يُؤْمَرُ وَيَأْمُرُ بِالرُّجُوعِ إِلَيْهِ، وَالْعَرَضُ عَلَيْهِ - أَمْرٌ صَعْبٌ؛ بَلَى قَدْ وَفَّقَ عُثْمَانُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ جَمْعَ النَّاسِ عَلَى مُصْحَفٍ وَاحِدٍ وَكِتَابَةِ أَرْبَعَةِ مَصَاحِفٍ وَمُقَابَلَتِهَا وَتَضْحِيحِهَا وَبَعْثِهَا إِلَى الْأَطْرَافِ؛ كُلُّ مُصْحَفٍ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ يُقَالُ لَهُ الْإِمَامُ، فَجَزَاهُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّهُ مَا قَصَرَ فِي الْإِحْبَابِ لِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. هَذَا أَوْلَى أَنْ يَعْتَقَدَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ الَّذِي جَمَعَهُ بِهَدَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمْرُهُ لَهُ [وَأَمْرٍ مِنْهُ].



▲ تصویر ۹: نقد راوندی بر روایت رسمی اهل سنت از جمع قرآن (نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی)

جدول شماره ۲: فهرستی مختصر از برخی مواضع اختلاف قرائت
 در متن قرآن (نسخه ۴۱۲۹ مجلس شورای اسلامی)

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
بقره	۲۴۹	عُرْفَةٌ	عُرْفَةٌ	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
بقره	۲۸۲	تِجَارَةٌ حَاضِرَةٌ	تِجَارَةٌ حَاضِرَةٌ	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
آل عمران	۸۳	يُجْعَلُونَ	تُجْعَلُونَ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
آل عمران	۹۷	حِجُّ الْبَيْتِ	حِجُّ الْبَيْتِ	شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
آل عمران	۱۵۷	يَجْمَعُونَ	تَجْمَعُونَ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نساء	۱	نِسَاءَ لَوْنٍ	نِسَاءَ لَوْنٍ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نساء	۴۳	لَمْ شِئْتُمْ	لَمْ شِئْتُمْ	حمزه؛ کسائی، خلف
نساء	۱۴۰	وَ قَدْ نَزَّلَ	وَ قَدْ نَزَّلَ	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نساء	۱۵۲	سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ	سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مائده	۹۵	فَجَزَاءٌ مِّثْلُ	فَجَزَاءٌ مِّثْلِ	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مائده	۱۰۷	اسْتَحَقُّ	اسْتَحَقُّ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مائده	۱۰۷	الْأُولِيَانِ	الْأَوْلِيَيْنِ	حمزه، خلف، یعقوب
مائده	۱۱۵	مُنزَلُهَا	مُنزَلُهَا	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر
انعام	۲۳	لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ	لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ	خلف، شُعبه، ابوعمر، نافع، ابوجعفر

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
انعام	۶۳	لَيْنَ أَنْجَانَا	لَيْنَ أَنْجَيْنَا	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انعام	۹۶	وَجَعَلَ اللَّيْلَ	وَجَاعِلُ اللَّيْلِ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انعام	۱۲۴	رِسَالَتَهُ	رِسَالَاتِيهِ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انعام	۱۲۸	يُخْشِرُهُمْ	نَخْشِرُهُمْ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، زویس، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
اعراف	۱۶۴	مَعَذِرَةٌ	مَعَذِرَةٌ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
اعراف	۱۶۹	أَفَلَا تَعْقِلُونَ	أَفَلَا يَعْقِلُونَ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، ابن کثیر
اعراف	۱۸۵	وَيَذَرُهُمْ	وَنَذَرُهُمْ	ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انفال	۵۹	وَلَا يَحْسَبَنَّ	وَلَا تَحْسَبَنَّ	کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع
توبه	۶۶	إِنْ نَعْفُ	إِنْ يُعَفَّ	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
توبه	۶۶	نُعَذِّبُ طَائِفَةً	تُعَذِّبُ طَائِفَةً	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
توبه	۱۰۶	مُرْجُونَ	مُرْجُونَ	شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
توبه	۱۱۷	كَأَدِّ يَزِيعٍ	كَأَدِّ تَزِيعٍ	کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
یونس	۲۳	مَتَاعٍ	مَتَاعٍ	حمزه، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
یونس	۴۵	يَحْشُرُهُمْ	نَحْشُرُهُمْ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
هود	۲۸	فَعَوَّيْتُ	فَعَمَيْتُ	شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
هود	۴۰	كُلِّ	كُلِّ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
هود	۱۲۳	يُرْجَعُ	يَرْجَعُ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر، ابن عامر
یوسف	۱۲	يَزَّعْ وَيَلْعَبُ	نَزَّعْ وَنَلْعَبُ	ابوعمر، ابن کثیر، ابن عامر
یوسف	۴۷	دَابَّأ	دَابَّأ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
یوسف	۱۰۹	أَفَلَا تَعْقِلُونَ	أَفَلَا يَعْقِلُونَ	حمزة، کسائی، خلف، ابوعمر، ابن کثیر
یوسف	۱۱۰	قَدْ كَذَّبُوا	قَدْ كَذَّبُوا	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابن عامر
رعد	۱۷	يُوقِدُونَ	تُوقِدُونَ	شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نحل	۱۲	وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّجْمِ مُسَخَّرَاتٍ	وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّجْمِ مُسَخَّرَاتٍ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
نحل	۴۳	نُوحِي	يُوحِي	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
کهف	۶۷ ۲۷	مَعِي	مَعِي	حمزة، کسائی، خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
کهف	۸۵	فَاتَّبِعْ	فَاتَّبِعْ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
مریم	۸	عَتِيًّا	عَتِيًّا	خلف، شُعبة، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
مریم	۲۳	نَسِيَا	نَسِيَا	کِسَائِي، خَلْف، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مریم	۲۴	مِنْ تَحْتِهَا	مِنْ تَحْتِهَا	ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، شُعْبَةَ، ابن عامر
مریم	۳۴	قَوْلَ	قَوْلَ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، ابوعمر، ابن كثير، نافع، ابوجعفر
مریم	۹۰	يَنْقُطُونَ	يَنْقُطُونَ	حمزة، خَلْف، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن عامر
طه	۶۱	فَيَسْحِكْتَكُمْ	فَيَسْحِكْتَكُمْ	شُعْبَةَ، ابوعمر، روح، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
طه	۶۹	تَلْقَفْ	تَلْقَفْ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، قنبل، نافع، ابوجعفر، هشام
طه	۶۹	كَيْدُ سَاحِرٍ	كَيْدُ سَاحِرٍ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف
انبياء	۴	قَالَ	قُلْ	شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انبياء	۷ ۵۲	نُوحِي	يُوحَى	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
انبياء	۸۰	لِنُحْصِنَكُمْ	لِنُحْصِنَكُمْ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، ابوعمر، روح، ابن كثير، نافع
انبياء	۱۱۲	قَالَ	قُلْ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
حج	۲۳	وَلَوْلَا	وَلَوْلَا	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، ابوعمر، ابن كثير، ابن عامر
حج	۶۲	يَدْعُونَ	تَدْعُونَ	شُعْبَةَ، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مؤمنون	۵۱	رَبْوَةَ	رَبْوَةَ	حمزة، کِسَائِي، خَلْف، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
نور	۹	وَالْخَامِسَةَ	وَالْخَامِسَةَ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نور	۴۶	مُبَيِّنَاتٍ	مُبَيِّنَاتٍ	شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
فرقان	۱۷	يُخَشِّرُهُمْ	نَخَشِرُهُمْ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، نافع، ابن عامر
فرقان	۱۹	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	فَمَا يَسْتَطِيعُونَ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نمل	۲۵	تُخْفُونَ	يُخْفُونَ	حمزة، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نمل	۲۵	تُعْلِنُونَ	يُعْلِنُونَ	حمزة، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
نمل	۵۹	يُنشِرُكُونَ	تُنشِرُكُونَ	حمزة، کسائی، خلف، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
قصص	۴۸	سِحْرَانِ	سَاحِرَانِ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
قصص	۸۲	لَخَسَفَ	لَخَسِيفَ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
عنکبوت	۵۰	آيَاتٍ	آيَةٌ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابن کثیر
عنکبوت	۵۵	وَيَقُولُ	وَنَقُولُ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر، ابن عامر
روم	۲۲	لِلْعَالَمِينَ	لِلْعَالَمِينَ	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
روم	۵۴	ضَعِفِ	ضُعْفِ	کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
لقمان	۲۰	نِعْمَهُ	نِعْمَةً	حمزة، کسائی، خلف، شُعبه، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت در نسخه	مطابق با قرائت:
زخرف	۷۱	تَشْتَهِيهِ	تَشْتَهِي	حمزة، كِسَائِي، خلف، شُعْبَة، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير
احقاف	۱۵	اِحْسَانًا	حُسْنًا	ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
احقاف	۱۶	نَتَقَبِّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ	يُتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنُ	شُعْبَة، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
احقاف	۱۶	وَ تَتَجَاوَزُ	وَ يُتَجَاوَزُ	شُعْبَة، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
محمد	۲۶	اِشْرَارَهُمْ	اَشْرَارَهُمْ	شُعْبَة، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
طور	۲۳	لَعُو	لَعُو	ابوعمر، يعقوب، ابن كثير
طور	۲۳	تَأْتِيْمٌ	تَأْتِيْمٌ	ابوعمر، يعقوب، ابن كثير
مجادله	۱۱	اَلْمَجَالِسِ	اَلْمَجْلِسِ	حمزة، كِسَائِي، خلف، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
معارج	۱۶	نَزَاعَةً	نَزَاعَةً	حمزة، كِسَائِي، خلف، شُعْبَة، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
جن	۲۰	قُلْ	قَالَ	كِسَائِي، خلف، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابن عامر
مرسلات	۳۳	حِمَالَتْ	حِمَالَاتٌ	شُعْبَة، ابوعمر، روح، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
تکویر	۲۴	بِضْنَيْنِ	بِطْنَيْنِ	كِسَائِي، ابوعمر، رويس، ابن كثير

کتابنامه

- قرآن کریم؛ جزوه‌های وقفی شیخ علی بن الحسین المشرف النیشابوری، نسخه‌های کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره‌های ۳۱۹۵ تا ۳۲۰۲، مورخ ۵۴۰ هجری.
- قرآن کریم؛ نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، معروف به قرآن راوندی، شماره ۲۲۶۱، مورخ ۵۸۶ هجری.
- قرآن کریم؛ نسخه کتابخانه بریتانیا، شماره Or13002، مورخ ۴۰۲ هجری.
- قرآن کریم؛ نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۱۲۹، مورخ ۵۸۳ هجری.
- قرآن کریم [= تفسیر ناشناخته]، نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۵۴۹۸.
- آقابزرگ طهرانی؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن؛ تاریخ طبرستان؛ تصحیح عباس اقبال آشتیانی؛ به اهتمام محمد رضائی؛ تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶ ش.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح محمد جعفر یاحقی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالزهراء، ۱۹۸۷ق / ۱۴۰۸م.
- الراوندی، ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله الحسنی؛ الحماسة ذات الحواشی؛ قم: مؤسسه آل‌البیته (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۳۴.
- _____؛ النوادر؛ مقدمه و تحقیق سعیدرضا علی‌عسکری؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷ ش.
- _____؛ دیوان السید الامام ضیاء‌الدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی الراوندی القاسنی؛ عنی بتصحیح وطبعه؛ السید جلال‌الدین الارموی المشتهر بالمحدّث؛ تهران: مطبعة المجلس، ۱۳۳۴ ش.
- الراوندی، قطب‌الدین؛ خلاصة التفاسیر؛ نسخه کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۱۱۹۱۷.
- الراوندی، محمد بن علی بن سلیمان؛ راحة الصدور و آية السور؛ به سعی و تصحیح محمد اقبال؛ به انضمام حواشی و فهرس با تصحیحات لازم مجتبی مینوی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳.
- رحمتی، محمدکاظم؛ درآمدی به شناخت نسخه‌های نهج‌البلاغه؛ تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- السمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور؛ الانساب؛ تحقیق عبدالله عمر البارودی؛ بیروت: مرکز الخدمات والابحاث الثقافیة، دارالجنان، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
- السید المرتضی، علی بن الحسین الموسوی؛ کتاب الامالی؛ غرر الفوائد و درر القلائد؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره: عیسی البابی الحلبي وشركاه، ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۴م.
- الطباطبائی، سید عبدالعزیز؛ «فی رحاب نهج‌البلاغه (۵) نهج‌البلاغه عبر القرون: شروحه حسب الترتیب الزمینی» در مجله تراث؛ سال ۹، ش ۲ و ۳ (شماره پیاپی ۳۴ و ۳۵)، ربیع الآخر - رمضان ۱۴۱۴، ص ۱۸۸۱۵۴.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح و تعلیق و تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی و فضل‌الله یزدی الطباطبائی؛ بیروت: دار الوفاء، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۸م.
- الطوسی، حسن بن محمد؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح احمد حبیب عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- عبدالجلیل قزوینی رازی؛ نقض، معروف به بعض مثالب النواصب؛ تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی؛ تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- عمادالدین الاصفهانی الکاتب؛ خريدة القصر و جريدة العصر فی ذکر فضلاء اهل فارس؛ تحقیق عدنان محمد آل طعمه؛ تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ ش.
- عمادالدین الاصفهانی الکاتب؛ خريدة القصر و جريدة العصر فی ذکر فضلاء اهل اصفهان؛ تحقیق عدنان محمد آل طعمه؛ تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۴۱۹ق / ۱۳۷۷ ش.
- عمادی حائری، سید محمد؛ «سبزواری، علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی»؛ در دانشنامه جهان اسلام، ج

۲۲. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ص ۷۲۶-۷۳۰، ۱۳۹۶.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا): به کوشش مصطفی درایتی؛ ۴۵ جلد، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- کتاب الصحاح جوهری؛ نسخه کتابخانه نورعثمانیه، به شماره ۴۷۶۹ مورخ ۶۰۵ و ۶۰۷ هجری.
- کریمی نیا، مرتضی؛ «چهار پارادایم تفسیری شیعه: مقدمه‌ای در تاریخ تفسیر شیعی بر قرآن کریم»؛ مطالعات تاریخی قرآن و حدیث؛ ش ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۷۲-۱۹۶.
- کریمی نیا، مرتضی؛ «قرآن مترجم زعفرانی مورخ ۵۴۶ هجری در ری: کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ دار و حاوی ترجمه فارسی»؛ ترجمان وحی مبین؛ سال ۲۳، ش دوم، شماره پیاپی ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- _____؛ «کهن‌ترین مکتوب تاریخ دار فارسی: دست‌نوشته فارسی از احمد بن ابی القاسم حقیقانی در پایان قرآنی از قرن سوم»؛ آینه میراث؛ ش ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۹-۲۶.
- الکشتی، محمد بن عمر؛ اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الکشی؛ تصحیح حسن المصطفوی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، ۱۳۴۸ ش.
- مجلسی، علامه محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- المدنی الشیرازی، السیدعلیخان بن احمد؛ الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳.
- مرعشی نجفی، سیدشهاب‌الدین؛ لمعة النور و الضیاء؛ فی ترجمة السيد ابی الرضا (۴۸۳-۵۶۳) مقدمه بر چاپ نسخه المناجات الالهیات؛ طبع به اهتمام فخرالدین النصیری الامینی، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۴۳ ش / ۱۳۸۳ ق.
- معینی، محسن؛ «راوندی، فضل‌الله بن علی»؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۹، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۰-۳۰۳.
- منتجب‌الدین ابن بابویه الرازی؛ الفهرست؛ تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی؛ قم: ۱۳۶۶ ش، ص ۹۶، رقم ۳۳۴.
- منزوی، احمد؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی؛ جلد ۱۱، تهران: کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۴۵ ش.
- زهج البلاغه؛ نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۶۲۴، مورخ ۷۱۸ هجری.
- زهج البلاغه؛ نسخه موزه ملی عراق، کتابت ابن نازویه القمی مورخ ۵۵۶، مقابله شده با نسخه ابوالرضا راوندی در ۵۷۱ هجری.
- الوزیر المغربی، ابوالقاسم حسین بن علی؛ المصایب فی تفسیر القرآن؛ نسخه مکتبه الازهریه، ش ۹۲۹۱۷.
- Yasir S. Ibrahim, "Continuity and change in Qur'anic readings: a study of the Qur'anic MS. Garrett 38," *Journal of Islamic Studies* 19iii (2008), pp. 369-390.